

ماهنامه كاوش (۴۸)

كد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۲۲۰۱

بهمن ماه ۱۳۹۰

دفتر: مطالعات سیاسی

به نام خدا

فهرست مطالب

- ۱..... سخن نخست
- ۲..... شبیه‌سازی فردای دستیابی ایران به سلاح
- ۵..... تهدیدهای ایران در تنگه هرمز
- ۸..... تحریم‌های جدید غیرسازنده اوباما برای ایران
- ۱۳..... سیاست سخت دولت آمریکا، ایران را به سمت جنگ‌طلبی سوق می‌دهد
- ۱۶..... تهدیدهای توخالی بستن تنگه هرمز
- ۱۹..... چرا انگلیس تحریم‌های ایران را افزایش می‌دهد
- ۲۲..... زمان تشدید فشار بر ایران فرا رسیده است
- ۲۳..... انصراف ایران از بمب و جلوگیری از جنگ
- ۲۵..... اشتباه استراتژیک در ارتباط با ایران
- ۲۸..... اخبار ایران را با یک تلویزیون خوب پوشش دهید
- ۳۰..... دیدار امنیتی مقامات عربستان با ایران
- ۳۲..... تغییر نظام سیاسی ایران
- ۳۵..... جنگ علیه ایران هم‌اکنون آغاز شده است
- ۴۰..... آیا ایران می‌تواند تنگه هرمز را ببندد؟
- ۴۲..... واکنش‌ها به تهدید ایران در بستن تنگه هرمز
- ۴۴..... ایران تمایلی به بستن تنگه هرمز ندارد
- ۴۶..... کنار آمدن با ایران هسته‌ای



ماهنامه کاوش (۴۸)

سخن نخست

یکی از مهمترین مسائل مؤثر در حوزه سیاستگذاری خارجی، درک شرایط بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب است. این شناخت از طریق آگاهی از رویکردها، برداشتها و نگرش‌های سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به تحولات نظام بین‌الملل به دست می‌آید و می‌تواند نقش مهمی در روند تصمیم‌سازی یک سیاست خارجی مؤثر داشته باشد. بدین‌منظور ماهنامه کاوش با هدف انتقال چکیده مهمترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری و پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی تلاش دارد تا به بررسی عمده‌ترین مطالب ماه گذشته برخی از مهمترین مجلات علمی، سایت‌ها و پایگاه‌های تحلیلی غربی در قبال مسائل ایران بپردازد. براین اساس در شماره ۴۸ کاوش مقالاتی در مورد برنامه هسته‌ای ایران، تحولات منطقه‌ای در کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا و سایر موضوعات جدید مرتبط با روابط خارجی ایران و کشورهای منطقه، انتخاب و منعکس شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها فقط برای اطلاع و مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان محترم بوده و به منزله تأیید آنها از جانب دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌ها نیست. ماهنامه کاوش جهت تقویت و بهبود رویه خود از پیشنهادهای و انتقادهای اندیشمندان محترم استقبال می‌کند.

عنوان: شبیه‌سازی فردای دستیابی ایران به سلاح^۱

نویسنده:-----

منبع: مؤسسه مطالعات امنیت ملی^۲

ایران بیش از پیش به نقطه‌ای نزدیک شده که در آن، رهبران این کشور باید تصمیم بگیرند که در آستانه دستیابی به ظرفیت هسته‌ای، که موضعی نسبتاً راحت برای تهران است، باقی بمانند یا سرانجام به بمب هسته‌ای دست یابند. ایران تمایل دارد تصمیم‌گیری درباره عبور از این آستانه را تا مرحله‌ای بعد به تعویق بیاورد. با این وجود، رویدادهای منطقه‌ای و بین‌المللی احتمالاً باعث خواهند شد ایران تصمیم به تسریع روند توسعه هسته‌ای خود بگیرد و در نتیجه، به ظرفیت هسته‌ای برسد. در سال‌های اخیر، تحقیقاتی درباره احتمال اینکه ایران به ظرفیت هسته‌ای دست یابد و همچنین مشکلات موجود بر سر راه تحذیر و مهار آن منتشر شده است. شبیه‌سازی‌های متعددی از فرآیندهایی که منجر به دستیابی ایران به ظرفیت هسته‌ای نظامی می‌شود، اجرا شده است. شبیه‌سازی اجرا شده توسط «مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل» که واکنش‌هایی را به تصویر می‌کشد که می‌توان نسبت به وضعیت‌های مختلف اجرای آزمایش هسته‌ای توسط ایران نشان داد و همچنین تحلیل‌هایی که از این شبیه‌سازی انجام شده، برای افزایش آگاهی در این زمینه صورت گرفته است. یافته‌ها نشان داد که ایران تصمیم ندارد از سلاح‌های هسته‌ای خود استفاده کند.

1. -----, "INSS Simulation on a Nuclear Iran: The Day After", INSS, January 2012.

۲. از مراکز پژوهشی حوزه مطالعات امنیت بین‌الملل است.



بلکه می‌خواهد از آنها برای رسیدن به توافق با قدرت‌های عمده به‌منظور بهبود موضع استراتژیک خود استفاده کند. ایران چنین می‌پندارد که حتی اگر تحریم‌های اقتصادی شدیدتر شوند، توانایی تحمل آنها را دارد و در هر صورت، جامعه بین‌المللی سرانجام با گفتگو با ایران برای تعیین قوانین تازه برای این بازی موافقت خواهد کرد.

در این شبیه‌سازی، دولت آمریکا در پشت صحنه فشار بسیاری بر اسرائیل وارد می‌آورد تا علیه ایران دست به حمله نظامی نزند؛ با این تهدید ضمنی که چنین کاری از سوی اسرائیل بر روابط آمریکا و اسرائیل لطمه خواهد زد. آمریکا در تلاش برای ترغیب اسرائیل نسبت به خودداری از اعلام جنگ علیه ایران، پیشنهاد بررسی احتمال یک پیمان دفاع رسمی و یا عضویت اسرائیل در ناتو را مطرح می‌سازد.

در این شبیه‌سازی، روسیه در واکنش به این وضعیت جدید، پیشنهاد تشکیل یک ائتلاف دفاعی بین آمریکا و روسیه را مطرح می‌کند که امنیت کشورهای خاورمیانه را، که به این پیمان بپیوندند، تضمین کند. اعضای این ائتلاف، که در حال حاضر سلاح هسته‌ای در اختیار ندارند، متعهد می‌شوند به دنبال دستیابی به این سلاح‌ها نباشند. با این وجود، کشورهای دارای ظرفیت هسته‌ای ملزم به خلع سلاح نخواهند بود. آمریکا به سبب تردید درباره توانایی روسیه برای تحقق این تضمین و همچنین به سبب آنچه که به ادعای آمریکا، مشکلات موجود بر سر راه برقراری این ائتلاف و توانایی جلوگیری از فعالیت‌های تروریستی و خرابکارانه در چارچوب ائتلاف محسوب می‌شوند، مخالف عمده این طرح است. راه‌حل آمریکا برای این مشکل در کوتاه‌مدت، بازداری و مهار ایران از طریق افزایش هماهنگی و همکاری با متحدان آمریکاست.

اسرائیل در این شبیه‌سازی برای آمریکا روشن می‌کند که با رد صریح طرح روسیه

مخالف است و خواستار همکاری بیشتر غرب و روسیه است. در صورتی که باعث تضعیف جبهه علیه ایران نشود. با این حال، تأکید مداوم اسرائیل بر این است که ایران هسته‌ای را نخواهد پذیرفت و متعهد نخواهد شد که علیه زیرساخت‌های هسته‌ای ایران دست به اقدام نظامی نزند و چنین می‌فهماند که حتی در صورتی که این اقدام با مخالفت واشنگتن روبرو شود، احتمال دارد اسرائیل چنین کاری را صورت دهد. طبق این شبیه‌سازی، گزینه نظامی اسرائیل از اهمیت بسیاری، اگر نه برای ایران، برای بسیاری از بازیگران کلیدی، برخوردار است. شبیه‌سازی نشان داد که این گزینه، یا حتی تهدید به عملی کردن آن، در صورت اجرای آزمایش هسته‌ای توسط ایران محتمل خواهد بود.

تسریع گسترش سلاح هسته‌ای در منطقه را نمی‌توان غیرمحتمل دانست، حتی اگر آن‌گونه که احتمال شتاب می‌رفت، اتفاق نیافتد. چنانچه ایران به ظرفیت هسته‌ای دست یابد، متحدان آمریکا، به ویژه ترکیه و عربستان سعودی، تمایل آمریکا برای افزایش پشتیبانی بازدارنده خود از این کشورها، را زیر سؤال می‌برند که این امر، باعث می‌شود این دو کشور به سراغ گزینه‌های دیگر و یا دستیابی به سلاح هسته‌ای بروند. عبور ایران از آستانه هسته‌ای باعث خواهد شد عربستان سعودی برای رسیدن به تعادل استراتژیک با ایران تلاش کند و اتخاذ سیاست انکار برای این کشور دشوار خواهد بود. به نظر می‌رسد که عربستان سعودی، شاید بیش از هر بازیگر دیگری در خاورمیانه، انگیزه استراتژیک - ایدئولوژیک و همچنین توانایی اقتصادی قدم گذاشتن در مسیر هسته‌ای شدن را دارد و منطقی است که فرض کنیم که عربستان با کمک خارجی و یا دستیابی به یک بازدارنده موجود به این کار دست بزند.



عنوان: تهدیدهای ایران در تنگه هرمز^۱

نویسنده: ----

منبع: استراتفور^۲

مانور ده روزه نیروهای دریایی «ولایت ۹۰» در هفته گذشته [در تنگه هرمز] به پایان رسید، اما حوادث در تنگه هرمز کماکان توجه بسیاری از رسانه‌ها را به خود جلب کرده است. این تنگه مسیر بین خلیج فارس و دریای عمان است که تقریباً ۳۵ درصد تجارت نفت به وسیله کشتیرانی (و ۲۰ درصد کل تجارت نفت دنیا) از طریق این راه آبی عبور می‌کند. براساس برنامه باید ۱/۵ میلیون بشکه نفت در هر روز از طریق خط لوله در خشکی به غرب خلیج فارس انتقال می‌یافت و در یک روز معمولی، ۱۷ میلیون بشکه از تنگه عبور می‌کرد، اما در روز دوشنبه این مسئله به تأخیر افتاد. در ضمن، نیروی دریایی انگلیس تأیید کرد که جدیدترین ناوشکن پدافند هوایی خود «اچ ام اس درینگ (دی ۳۲)» را بر روی مسیر آبی خود به سمت خلیج فارس اعزام خواهد کرد. هر دو این وقایع پاسخی به جسارت و قاطعیت ایران در تنگه هرمز است. مانور «ولایت ۹۰» با افزایش ۴ درصدی در قیمت نفت همزمان شد. این افزایش قیمت، نفت خام «برنت» را به قیمت بالای خود در اواسط نوامبر گذشته برگرداند و توانست کاهش قیمت ماهیانه آن را متوقف کند؛ این کاهش قیمت از اوت آغاز شده بود. تنها چند روز پس از پایان مانور نیروی دریایی «ولایت ۹۰»، تهران اعلام کرد که یک مانور دریایی جدید در ماه فوریه انجام خواهد شد.

1. Iran's Threats in the Strait of Hormuz, Stratfor, 10 January, 2012.

۲. از مراکز پژوهشی بین‌المللی است.

نیروی دریایی ایران مانورهای «ولایت» را کم و بیش سالانه اداره می‌کند، اما نیروی دریایی تنها ارگان نظامی نیست که باید مانورها را در تنگه هرمز رهبری کند. نیروی دریایی سپاه پاسداران، شاخه مستحکم و عملیات‌محور ارتش ایران، مانورهای برنامه‌ریزی شده را برای ماه فوریه رهبری خواهد کرد. این مانورها بخشی از سری رزمایش‌های «پیامبر اعظم» هستند. رفتار گارد ساحلی سپاه پاسداران در سال ۲۰۰۸ به میزان کافی تهاجمی بود تا نشان دهد که آن‌ها به احتمال زیاد آمادگی لازم را دارند تا آتش پدافندی خود را در برابر ناوهای آمریکایی قرار دهند. اگر عامدانه هم نباشد، ایران با توجه به دانستن اصول آمریکا در برخورد با سایر کشورها به ناوهای این کشور حمله نخواهد کرد. این مورد یکی از مثال‌های متعدد در سال‌های اخیر است که در آن موضوع بسته شدن تنگه هرمز مطرح شده است، حتی اگر جنگ کشتی‌های نفت‌کش در اواخر دهه ۱۹۸۰ را بررسی نکنیم. تهران از اواسط دهه ۲۰۰۰ درصد افزایش توانایی‌های خود بوده است تا در هر زمان که با اهداف سیاسی آن موافق باشد، تنگه هرمز را مورد تهدید قرار دهد.

ایران در هنر افزایش و کاهش بحران‌ها ماهر شده است. دولت ایران در این موضوع به کره شمالی شباهت دارد که عامدانه باعث می‌شود در نظر دیگران غیرقابل پیش‌بینی جلوه کند و علیرغم تحریم‌های شدید، بیش از یک دهه، کماکان خود را موضوع اصلی بیشتر ابرقدرت‌های دنیا قرار دهد. انجام مانورهای سپاه پاسداران پس از مانورهای نیروهای دریایی در تنگه هرمز، در حین یک بحران اقتصادی جهانی، یقیناً انتخابی عامدانه بوده است؛ انتخابی که در تطابق با راهبرد بلندمدت این کشور محاسبه



شده است. منظور از این راهبرد، استفاده ایران از توانایی‌های خود برای تهدید تنگه هرمز به عنوان یک بازدارنده است.

ایران مورد حمله و ویروس «استاکس نت» و عملیات‌های تخریبی و تروریستی قرار گرفته است. این کشور توسط هواپیماهای بدون سرنشین و تجهیزات فضایی آمریکا تحت نظارت دائم این کشور است. ایران به آمریکا که تنها کشور قادر به حمله به این کشور است یادآوری می‌کند که تهران یک بازدارنده ناخوشایند را در برابر حمله آمریکا دارد حتی اکنون که بازگشت نیروهای نظامی آمریکا از عراق توانایی ایران برای حمله به سربازان آمریکایی از طریق نیروهای نیابتی را غیرممکن ساخته است.

در پایان تحلیل استراتفور آمده است: بر اساس استدلالات پیشین اندیشکده «استراتفور»، این تنها گزینه ایران است که واقعاً «هسته‌ای» محسوب می‌شود (البته منظور برنامه کلی هسته‌ای ایران نیست). این گزینه را توانایی واقعی ایران برای بستن مسیر نفت در تنگه هرمز تعیین نکرده است - این موضوع از طریق شدت تهدیدات آن مشخص شده است. همان‌طور که مانورهای «ولایت ۹۰» به روشنی مشخص کردند، اطمینان، بازار جهانی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (البته اگر منظور از اطمینان، درک کلی از واقعیت‌های نظامی باشد). نفت خام حمل شده از طریق خلیج فارس، تا آینده نه چندان دور رکن اصلی اقتصاد جهانی خواهد بود و این درحالی است که راهکارهای دیگر نیز نمی‌توانند وضعیت را تغییر دهند. به وسیله این افزایش و کاهش تهدیدات، ایران تأکید کرده است که همچنان تسلط خود بر منطقه حساس ژئوپلیتیک تنگه هرمز را به دنیا یادآوری خواهد کرد.

عنوان: تحریم‌های جدید غیرسازنده اوباما برای ایران^۱

نویسنده: سوزان مالونی

منبع: فارین افرز^۲

تنش میان ایالات متحده و ایران، یکبار دیگر شدت گرفته است. هفته گذشته تهران، در پاسخ به تحریم‌های ایالات متحده علیه بانک مرکزی این کشور، تهدید کرد که تنگه هرمز، گذرگاه یکپنجم نفت جهان، را خواهد بست. بارک اوباما، رئیس‌جمهور ایالات متحده، زیر فشار همه‌جانبه کنگره، قانون تحریم‌های تازه علیه ایران را روز شنبه گذشته امضا کرد.

هدف از اعمال تحریم‌های تازه، وادار ساختن ایران به رها کردن جاه‌طلبی‌های هسته‌ای عنوان شده است. اجرای کامل این قانون، درآمد اصلی دولت ایران را آماج خواهد گرفت و عملاً یکی از مهمترین صادرکنندگان نفت جهان را از بازار بیرون خواهد ساخت. وقایع زنجیره‌ای این نگرانی‌ها را دامن زد که مبادا واشنگتن جنگ دیگری را در خاورمیانه آغاز کند، اما مشکل بنیادی‌تری زمینه‌ساز این تحولات بوده است. تحریم‌های جدید دولت اوباما پایانی است به پارادایمی که سیاست آمریکا را در مورد ایران از زمان انقلاب سال ۱۹۷۹ هدایت کرده است: ترکیبی از فشار و ترغیب.

علاوه بر این، غیرقانونی اعلام کردن تماس با بانک مرکزی ایران، تاکتیک‌های آمریکا و هدف بلندمدت آن را - حل مسئله هسته‌ای ایران از راه گفتگو - اساساً در برابر

1. Suzanne Maloney, "Obama's Counterproductive New Iran Sanctions", Foreign Affairs, 5 January, 2012.

۲. از نشریات معتبر روابط بین‌الملل است.



هم قرار می‌دهد. درواقع، ایالات متحده نمی‌تواند امید به چانه‌زنی سیاسی با کشوری ببندد که دارد اقتصاد آن را مختل و نابود می‌سازد. چون تحریم‌های شدید اقتصاد ایران را نابود خواهد ساخت، تهران مطمئناً تلاش خود را برای به‌دست آوردن جنگ‌افزار هسته‌ای دوچندان خواهد ساخت. بنابراین، اعمال فشار بی‌پایان به این معناست که اکنون کاخ سفید، بدون داشتن توانایی تأثیرگذاری، از سیاست تغییر رژیم در ایران حمایت می‌کند.

درحال حاضر، حداقل، تحریم بانک مرکزی ایران روند دامنه‌دار به‌نظر می‌رسد. متن قانون، دست دولت آمریکا را در نحوه تطبیق آن باز گذاشته است. همچنین، اجرای آن مشروط به ملاحظات عرضه نفت در جهان شده است و دولت‌های خارجی ۶ ماه وقت دارند که طی آن راه‌های دیگری برای خرید نفت خام بیابند و یا احتمالاً، با دور زدن این قانون راه‌های ادامه خرید از تهران را بررسی کنند. اوپاما، به‌عنوان پیش‌شرط امضای این قانون، بیانیه‌ای را نیز به آن افزوده است، که بر مبنای آن رئیس‌جمهور حق دارد اقدامات محدودکننده اختیارات خود در تنظیم سیاست خارجی را نادیده بگیرد. مطمئناً، اجرای کامل این تحریم‌ها قیمت نفت را افزایش خواهد داد و نگرانی‌های اقتصادی در سال انتخابات در نهایت می‌تواند عزم اوپاما را برای توییح ایران سست نماید، اما کنگره ممکن است فکرهاى دیگری داشته باشد.

مقامات ارشد ایالات متحده از مؤثر بودن تحریم بانک مرکزی ایران مطمئن به‌نظر می‌رسند. کشورهایی هم‌پیمان آمریکا مانند ژاپن و کره جنوبی، که حدود یک‌سوم صادرات نفت خام ایران را می‌خرند، واشنگتن را در این تحریم‌ها همراهی خواهند کرد. مقامات ایالات متحده همچنین می‌گویند که اعلام آمادگی تهران برای ازسرگیری

گفتگوها با کشورهای پنج به اضافه یک (گروه چندجانبه که رهبری مذاکرات هسته‌ای ایران را به پیش می‌برد) نشان می‌دهد که افزایش فشارها رهبران ایران را پریشان ساخته است. این خوش‌بینی‌ها پیش از موعد هستند. اعلام آمادگی تهران برای ازسرگیری گفتگوها، فقط به سبب ایجاد خوش‌بینی در میان برخی از کشورها صورت می‌گیرد - به ویژه کشورهای آسیایی که به گونه فزاینده‌ای برای ثبات اقتصادی ایران حیاتی است. تهران ممکن است روی این موضوع نیز محاسبه کرده باشد که با نشان دادن پذیرندگی، می‌تواند اجماع شکننده میان آمریکا و اروپای طرفدار تحریم و روسیه و چین، مخالف تحریم، را از میان بردارد. با این حال، ایران با استفاده از ظرفیت‌های متلاشی‌کننده، شدت تحریم‌های تازه را کند خواهد ساخت. واشنگتن، نباید این را فراموش کند که جمهوری اسلامی، فشارهای اقتصادی شدیدتر را در گذشته تحمل کرده است. با وجود منابع نفتی فوق‌العاده، جمهوری اسلامی در تاریخ ۳۲ ساله خود به ندرت به هیجان آمده است. در گرما گرم جنگ با عراق، درآمد نفتی ایران به زیر ۶ میلیارد دلار در سال کاهش یافت، کمتر از ده درصد سال ۲۰۱۰ بالا رفتن سرسام آور درآمد.

از ناحیه فروش نفت در یک دهه گذشته، واقعیت خوشایند برای سردمداران ایران بوده است، اما این را به سختی می‌توان پذیرفت که اعمال محدودیت در فروش نفت، رژیم را به چالش خواهد کشانید و یا در مورد مسئله هسته‌ای آن را وادار به تسلیم خواهد ساخت. تهران در توانایی خود به اتخاذ ریاضت اقتصادی در هنگام ضرورت اعتماد دارد. در واقع، رژیم از تحریم‌های تازه در پوشاندن سوءمدیریت اقتصادی خود استفاده مناسب خواهد کرد.



دولت اوپاما با اشاره به چرخش‌های گذشته جمهوری اسلامی، از جمله پذیرش آتش‌بس برای پایان دادن جنگ هشت‌ساله با عراق، گفته است که «اعمال فشار نتیجه می‌دهد اما این فرمول دو نقطه بنیادی را نادیده می‌گیرد: نخست، تهران در طول تاریخ پس از انقلاب برای تغییر سیاست‌های امنیتی خود زیر فشار فوق‌العاده‌ای بوده است، اما این سیاست به‌گونه چشمگیری دوام آورده است.

دوم، اگر گاهی تهران تغییری در سیاست خود وارد کرده است، انگیزه آن فقط فشار نبوده است، بلکه بیشتر به علت گذشتن زمان کاربرد آن سیاست بوده است. در مورد مسئله هسته‌ای، حالت کاملاً بالعکس است. به هر اندازه‌ای که واشنگتن به تهران فشار بیاورد، به همان اندازه ارزش نیروی بازدارنده هسته‌ای در چشم رهبران ایران بیشتر می‌شود».

اگرچه اعمال تحریم‌ها اصطکاک بیشتر را به میان خواهد آورد، اما این به آن معنا نیست که یک برخورد نظامی در راه است. هیچ‌کدام از دو طرف خواستار جنگ نیست: نه واشنگتن که تلاش بسیار کرده است تا برنامه رئیس‌جمهور را برای پایان دو جنگ آمریکا، در خاورمیانه بزرگ، در عمل پیاده کند و نه ایران، که گزینه‌های بیشتر آشنا (و کم‌خطر) را ترجیح می‌دهد. مبارزه دوامدار و آهسته - با شعارهای دهان پرکن و بازی بیس‌بال دیپلماتیک - در حال حاضر موضوع معمولی پنداشته می‌شود.

نکته نگران‌کننده این است که رویکرد دولت اوپاما هیچ راه‌حلی را برای برخورد با ایران ارائه نمی‌دهد. تصور دائمی بودن تحریم‌ها - در واقع، قانون جدید هیچ شرطی را مشخص نمی‌کند که عملی شدن آن باعث پایان تحریم‌ها گردد - با تاریک‌ترین گفته‌های اعضای تندرو حکومت ایران در مورد مقاصد واشنگتن مطابقت می‌کند. کاخ

سفید با یک چرخش کامل، تلاش‌های خوش‌بینانه پیشین خود را در تعامل با ایران ترک گفت و با این کار خود به‌طور ضمنی از امکان گفتگو با رژیم اسلامی چشم پوشید. سیاست آمریکا در حال حاضر در حقیقت وابسته به آمدن تغییرات سیاسی در تهران است. چنین تغییراتی به احتمال زیاد، جذاب‌تر از آغاز گفتگوهای سازنده با رژیم کنونی ایران است - چیزی که ایالات متحده در ۳۳ سال گذشته به دنبال آن بوده است.



عنوان: سیاست سخت دولت آمریکا، ایران را به سمت جنگ‌طلبی سوق می‌دهد^۱

نویسنده: ولی نصر

منبع: بروکینگز^۲

نویسنده برآن است تنش و تخاصم بین ایران و آمریکا به مرحله‌ای رسیده که حتی بدون تمایل دو طرف، یک رودررویی نظامی ممکن است به وقوع بپیوندد. وی می‌گوید هشدار تازه فرماندهان نظامی ایران که گفته‌اند ناو هواپیمابر آمریکایی نباید به خلیج فارس برگردد را باید جدی گرفت. چنین اظهاراتی نشان می‌دهد که ایران آماده نبرد است. دور جدید تشدید تنش در روابط ایران و غرب از زمانی آغاز شده که دولت آمریکا و متحدان اروپایی آن کشور با استناد به گزارش تازه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تحریم و اقدامات تنبیهی جدیدی را علیه ایران به اجرا گذاشتند. این اقدامات موقعیت رژیم ایران را تهدید کرده و در مقابل آنها با هدف بسیج نیرو و جلب حمایت افکار عمومی در داخل کشور اقدامات خود را برای نمایش قدرت آغاز کردند. به نظر نویسنده شکی نیست که تحت تأثیر این فضای تنش‌آلود حکومت ایران بر سرعت پیشبرد برنامه‌های هسته‌ای خود که از نگاه آنها مهمترین عامل بازدارنده برای حمله به ایران و مهمترین تضمین برای بقای حکومت محسوب می‌شود، خواهند افزود. قدرت‌های غربی برای پرهیز از به شکست انجامیدن سیاست‌های تدریجانه خود علیه ایران باید از منظر حکومت آن کشور به این اوضاع بنگرند. طی ماه‌های اخیر سفارت بریتانیا در تهران مورد حمله قرار گرفت، ایران ادعا کرد یک هواپیمای شناسایی و بدون

1. Vali Nasr, Hard-line U.S. Policy Tips Iran Toward Belligerence, Brookings, 5 Jan, 2012.

۲. از مؤسسات معتبر پژوهشی و تأثیرگذار در ایالت متحده است.

سرنشین آمریکا را به فرود وادار کرده و با تهدید به مسدود کردن تنگه هرمز هشدار داده که بهای نفت را به ۲۵۰ دلار در هر بشکه افزایش خواهد داد. این اقدامات حکومت ایران، از یک تغییر مهم حکایت دارد. تا همین اواخر حکومت ایران در برابر تشدید تحریم‌های خارجی واکنشی نشان نداده و با وجود اقدامات خرابکارانه و پنهانی در تأسیسات هسته‌ای و حتی ترور دانشمندان خود سکوت اختیار کرده بود، اما این اقدامات نگرانی شدیدی ایجاد کرده است. نویسنده می‌گوید حاکمان ایران در عین حال نگران پیامد تحریم‌های اقتصادی و محدود شدن دسترسی ایران به بازارهای بین‌المللی‌اند. اوضاع اقتصاد ایران به شدت رو به وخامت می‌رود و ارزش برابری واحد پول ایران طی هفته‌های اخیر به شدت کاهش یافته است. تحت تأثیر این وضعیت حکومت ایران مجبور شده چندین طرح زیرساختی مهم از جمله در حوزه صنعت نفت و گاز را کنار بگذارد. این شرایط نارضایتی در جامعه ایران را تشدید کرده و حکومت به شدت نگران تکرار حوادثی نظیر اعتراضات پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۹ است. از نگاه حکومت ایران سیاست فعلی آمریکا، یعنی تشدید تحریم‌های بین‌المللی و تمرکز روی مسئله حقوق بشر در سازمان ملل متحد، با هدف تغییر رژیم در ایران تنظیم شده است. در چنین شرایطی دستیابی به سلاح هسته‌ای برای حکومت ایران اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. ایران خواهد کوشید تا نمونه لیبی، یعنی اعمال فشار برای فلج ساختن حکومت و سپس دعوت از نیروهای خارجی برای دخالت در جنگ، در مورد حکومت آن کشور اتفاق نیفتد. به همین خاطر حاکمان ایران به هر وسیله‌ای سعی خواهند کرد موقعیت خود را حفظ کرده تا روزی که به سلاح هسته‌ای دست پیدا کنند.



در ماه‌های اخیر مجالس قانونگذاری آمریکا به سمت اتخاذ سیاست‌های تندروانه‌تری علیه ایران حرکت کرده‌اند. دولت باراک اوباما نیز تحت فشار مجالس و همینطور محافل و نیروهای طرفدار اسرائیل مجبور شد لایحه مربوط به تحریم بانک مرکزی و مجازات شرکت‌های خریدار نفت ایران را امضا کند. از نگاه ایران اعمال چنین تحریم‌هایی که مهمترین منبع درآمد خارجی کشور را هدف گرفته‌اند اعلام جنگ به حکومت آن کشور تلقی می‌شود. در این شرایط اگر حملات مشکوک دیگری به تأسیسات نظامی و یا کارشناسان ایرانی صورت بگیرد فضای تنش‌آلود امروزی تشدید خواهد شد، اما در مقابل آنچه که رهبران ایران می‌بینند و می‌اندیشند این است که آمریکا و اروپا از نظر اقتصادی بسیار ضعیف‌اند، چین و روسیه در اعمال فشار بیشتر بر ایران با غرب همراهی نخواهند کرد، آمریکا با عجله عراق را ترک کرده و در فکر خروج از بحران افغانستان است و همزمان مناسبات آمریکا و پاکستان به شدت تیره شده است. رهبران ایران برآنند که روبرو شدن با پیامد تحولات اخیر در خاورمیانه برای آمریکا بسیار دشوارتر از ایران خواهد بود. به همین سبب رهبران ایران برآنند که تا زمان دستیابی به امکانات لازم برای تولید سلاح هسته‌ای قادر خواهند بود که در برابر فشار همه‌جانبه غرب ایستادگی کنند. متأسفانه سیاست آمریکا در عمل به تشویق این راهکار خصمانه و ستیزه‌جویانه حکومت ایران منجر می‌شود و بنابراین امکان وقوع جنگ را افزایش می‌دهد. در برخورد با ایران گزینه‌های ساده‌ای وجود ندارد، اما سماجت نکردن در پیشبرد سیاستی که محکوم به شکست است می‌تواند نقطه آغاز خوبی برای یافتن راه‌حل‌های بهتر باشد.

عنوان: تهدیدهای توخالی بستن تنگه هرمز^۱

نویسنده: مایکل روبین

منبع: امریکن اینترپرایز^۲

نویسنده با اشاره به اقدامات اخیر دولت ایران در واکنش به دور جدید تحریم و فشارهای آمریکا و هم‌پیمانان غربی آن کشور می‌نویسد که هرگونه اقدام یا تهدید جدی ایران در مورد تنگه هرمز برای آن کشور «حکم خودکشی خواهد داشت». به نوشته وی تهدید ایران برای مسدود کردن تنگه هرمز را باید جدی‌ترین رویارویی تنش‌آمیز میان ایران و آمریکا طی ۲۰ سال گذشته تلقی کرد. تنگه هرمز با عرض حدود ۵۵ کیلومتر گذرگاه حدود یک‌سوم از کل نفت خام جهان است که توسط کشتی‌های نفت‌کش حمل می‌شوند. نویسنده می‌افزاید باید خطر ایران را جدی گرفت ولی گزافه‌گویی‌های رهبران این کشور در مورد تنگه هرمز بیش از آنکه یک خطر جدی باشد با هدف منحرف کردن فضای تنش و فرافکنی صورت می‌گیرد. این تنگه همان‌قدر که برای جریان صدور نفت منطقه اهمیت دارد برای بقای ایران نیز مهم است. حکومت ایران خود سومین صادرکننده بزرگ نفت در جهان است و در عین حال تحت تأثیر چند دهه تحریم و سوءمدیریت در صنایع نفت اکنون به‌شدت نیازمند بنزین وارداتی است. مسدود کردن تنگه هرمز حتی برای یک روز بیش از آنکه به اقتصاد جهان لطمه بزند اقتصاد ایران را تحت فشار قرار خواهد داد. اقتصاد ایران در وضع نابسامانی قرار دارد. ارزش واحد

1. MICHAEL RUBIN, Tehran's hollow Hormuz strait threat ,aei, 30 December, 2011.

۲. از مؤسسات پژوهشی افراطی و وابسته به جنگ‌طلبان نومحافظه‌کار آمریکاست.



پول آن کشور طی سال گذشته یک سوم کاهش یافته است. رقم بیکاری و تورم رو به افزایش است و ایران به شدت به درآمد ارزی ناشی از فروش نفت خود نیازمند است. اقتصاد ایران با بهای نفت نازلتر از هشتاد دلار برای هر بشکه فلج خواهد شد. به همین سبب حکومت ایران به خوبی می‌داند که با تهدید به بستن تنگه هرمز بهای نفت افزایش یافته و از این طریق به درآمد خود خواهد افزود. اگر ایران واقعاً بخواهد به اهداف آمریکایی و غربی حمله کند تنگه هرمز محل چنین حمله‌ای نخواهد بود. با وجودی که قایق‌های تندرو، مین‌های ضد کشتی و موشک‌های ایران می‌توانند مشکلاتی ایجاد کنند ولی قدرت آتش و برتری نظامی آمریکا در آب‌های منطقه بسیار فراتر از آن است. همواره یک یا دو ناو هواپیمابر و تهاجمی آمریکا در آب‌های خلیج فارس و دریای عمان گشت می‌زنند. به زودی شمار این ناوها در منطقه به سه فروند خواهد رسید. افزون بر این تمام تحرکات هواپیماها و کشتی‌های جنگی ایران توسط نیروهای مسلح آمریکا کنترل می‌شود. هرگونه اقدام مسلحانه و یا تهدید عملی ایران برای بستن تنگه هرمز برای آن کشور حکم خودکشی را خواهد داشت. در سال ۱۹۸۸ که حکومت ایران آب‌های خلیج فارس را مین‌گذاری کرد به دستور رونالد ریگان رئیس‌جمهور وقت آمریکا نیروهای مسلح این کشور دو پایانه نفتی ایران را مورد حمله قرار دادند. در جریان این ماجراجویی، ایران یک کشتی جنگی، یک قایق توپدار، سه قایق تندرو و بهره‌برداری از دو پایانه نفتی را به‌طور موقت از دست داد. رهبران حکومت ایران می‌دانند که برای تهدید و یا به‌خطر انداختن بازار بین‌المللی بهترین هدف نه مسیرهای دریایی، بلکه راه‌های زمینی است. روز ۲۲ دسامبر معاون نخست‌وزیر عراق اعلام کرد که میزان تولید نفت این کشور از سه میلیون بشکه در روز فراتر رفته است. اگر

گروه‌های مسلح وابسته به ایران لوله‌های انتقال نفت و یا تنها پایانه نفتی عراق در ساحل خلیج فارس را نابود کنند بهای نفت به شکل سرسام‌آوری افزایش خواهد یافت. شرکت نفت جنوب عراق تاکنون هیچ اقدام پیشگیرانه‌ای برای مقابله با این خطر انجام نداده است و با توجه به خروج نظامیان آمریکا آسیب‌پذیری عراق افزایش یافته است. بحران تنگه هرمز به زودی به پایان خواهد رسید ولی خطر مربوط به آسیب‌پذیری تأسیسات نفتی عراق در انتهای خلیج فارس برجای خود باقی است.



عنوان: چرا انگلیس تحریم‌های ایران را افزایش می‌دهد^۱

نویسنده: سیمون جنکینز

منبع: گاردین^۲

نویسنده در تحلیلی از مواضع دولت بریتانیا در قبال ایران می‌نویسد: سر دادن شعارهای جنگ‌طلبانه به تبعیت از آمریکا حماقت محض است و جز تشدید تنش و حرکت به سمت آغاز جنگی واقعی هیچ اثری نخواهد داشت. دولت بریتانیا نیروهای خود را از عراق خارج کرده و بی‌صبرانه در انتظار خارج کردن نظامیان خود از افغانستان است. بنابراین چرا باید خود را در جنگ دیگری با ایران درگیر کند، جنگ با ملتی مغرور با ۷۵ میلیون نفر جمعیت که جنگیدن با آن به معنای «نادیده گرفتن منطق و شعور ماست». اگر رهبران بریتانیا فکر می‌کنند که با اعمال تحریم‌های بیشتر می‌توانند برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کنند سخت در اشتباه هستند. تنها نتیجه این سیاست جنگ بود. ایران از ۳۳ سال پیش مورد تحریم بوده، چون هیچ راه دیگری وجود نداشته است، اما این تحریم‌ها هیچ تأثیری نداشته‌اند. دولت باراک اوباما در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا برای جلب حمایت گروه‌های تندرو طرفدار اسرائیل، تحریم‌های جدیدی را در مورد بانک مرکزی و صادرات نفت ایران وضع کرده است. اتحادیه اروپا در آینده نزدیک باید تصمیم بگیرد که آیا به این بازی خطرناک که واشنگتن آغاز کرده بپیوندد و در نتیجه خرید نفت از ایران را تحریم کند یا خیر. این اقدامات تهدیدآمیز باعث شد که ایران موشک‌های میان‌برد خود را به نمایش گذاشته و تهدید کند که تنگه

1. Simon Jenkins, Why is Britain ramping up sanctions against Iran?, guardian, 3 Jan, 2012.

۲. از روزنامه‌های انگلیسی است.

هرمز، یعنی محل عبور بخش مهمی از نفت مورد نیاز اقتصاد جهان، را مسدود خواهد کرد. چنین شعارهای تنش‌آفرینی در شرایطی که اقتصاد جهان در حال رکود است فراتر از حماقت است. در یک چنین وضعیتی مسئله اصلی نه اقدامات تنش‌آفرین برای مقابله با ایران، بلکه پیشگیری از تشدید بحران و احتمال وقوع جنگ است. سیاست غرب در قبال ایران طی سه دهه گذشته مقابله با اقدامات آن رژیم برای توسعه نفوذ خود در سطح منطقه بوده است، اما عملیات نظامی غرب در عراق و افغانستان عملاً به توسعه نفوذ حکومت ایران در سطح منطقه انجامید. هم‌اکنون ایران علاوه بر عراق در بخش غربی افغانستان و در برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس در قالب گروه‌های مخالف حکومت‌های محلی نفوذ فراوانی دارد. تجربه تحریم حکومت‌ها نشان داده است که آنها از این عامل برای تشدید تقابل خود با غرب بهره‌برداری می‌کنند، البته مقامات دولت بریتانیا و سایر دولت‌هایی که طرفدار روش تحریم هستند چنین استدلال‌هایی را رد کرده و می‌گویند تشدید تحریم‌ها در سال‌های اخیر باعث زوال اقتصاد ایران و تضعیف بنیه مالی رژیم شده است. آنها امیدوارند که با تحمیل یک چنین هزینه‌هایی حکومت ایران را وادار کنند از پیشبرد برنامه هسته‌ای خود صرف‌نظر کند. نویسنده در پایان تحلیل خود تأکید می‌کند که تجربه دهه‌های اخیر نشان داده که دخالت بریتانیا به خصوص در شکل نظامی در امور کشورهای دیگر هیچ‌گاه نتیجه مثبتی نداشته است. در پاسخ به سؤال افرادی که می‌گویند در قبال حکومت‌هایی که مورد قبول ما نیستند چه باید کرد، باید گفت: «خیلی ساده است، هیچ کاری نباید بکنیم». مسائل داخلی کشورهای دیگر به بریتانیا هیچ ارتباطی ندارد. دولت‌های بریتانیا طی ۲۵ سال گذشته با پرداخت هزینه‌های فراوان سعی کرده‌اند همچون یک کشور پر قدرت در برقراری یا



تغییر نظم در نقاط دیگر جهان دخالت کنند که در نهایت هیچ دستاوردی هم نداشته‌اند. و در نهایت باید گفت که سر دادن شعارهای تند و تیز و جنگ‌طلبانه علیه ایران یا هر کشور دیگری تنها به‌خاطر تبعیت از واشنگتن نوعی حماقت است.

عنوان: زمان تشدید فشار بر ایران فرا رسیده است^۱

نویسنده: امیلی لندو و ویل گازانسکی

منبع: The Institute for National Security Studies^۲

ماه گذشته گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هرگونه شک و شبهه‌ای در مورد تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را کنار گذاشت، بنابراین بدون هیچ شکی هم‌اکنون این کشور خواه با تمایلات ایدئولوژیک با بلندپروازی‌های هژمونیک و یا منافع امنیتی به‌دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای است. با این وجود علیرغم آشکار شدن این مسئله، اقدامات قاطعی علیه ایران، صورت نگرفته است. در این میان برخی که با تشدید فشارها علیه ایران - از جمله تحریم بانک مرکزی این کشور - مخالفت می‌کنند معتقدند که با افزایش فشار بر ایران این کشور در تصمیم خود برای دستیابی به سلاح هسته‌ای مصمم‌تر می‌شود. عده‌ای دیگر بر تحولات اخیر در کشورهای عربی منطقه تأکید می‌کنند که در صورتی که انقلاب‌های منطقه تاووم یافته و به‌ویژه در وضعیتی که سقوط نظام حاکم بر سوریه محقق شود، موقعیت منطقه‌ای ایران تضعیف می‌شود، اما این استدلال‌ات مقبول نیستند زیرا که ایران از یک سو هم‌اکنون انگیزه کافی و مؤثری در دستیابی به سلاح هسته‌ای دارد و تشدید تحریم‌ها نقشی در تاووم این سیاست از سوی ایران ندارد. از سوی دیگر تحت تأثیر تحولات منطقه در صورتی که احساس ناامنی ایران از انقلاب‌های عربی افزایش یابد تلاش این کشور برای دستیابی به سلاح هسته‌ای نیز افزایش خواهد یافت. با توجه به این شرایط جامعه بین‌الملل باید فشار را بر ایران افزایش دهد و در غیر این صورت با گذشت زمان آماده‌توسل به زور علیه ایران باشد.

1. Emily Landau & Yoel Guzansky, Time to Turn Screws an Iran, The Institute for National Security Studies, 30 December, 2011.

۲. مؤسسه مطالعات امنیت، از مراکز پژوهشی در حوزه امنیت بین‌المللی است.



عنوان: انصراف ایران از بمب و جلوگیری از جنگ^۱

نویسنده: جیمز دوپینز

منبع: Public Service Europe^۲

نویسنده در این گزارش انسجام بین‌المللی در حمایت از تشدید تحریم‌ها علیه ایران را تنها راه مقابله با برنامه هسته‌ای این کشور برمی‌شمرد. به نظر نویسنده اگرچه آمریکا و اسرائیل بارها بر احتمال کاربرد گزینه نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران تأکید کرده‌اند، اما هم آمریکا و هم اسرائیل، نگران استفاده از گزینه نظامی به منظور توقف برنامه هسته‌ای ایران هستند. ازسوی دیگر با تداوم و تشدید تهدیدها علیه ایران، این کشور به سمت ساخت بمب اتم پیش می‌رود و براساس این تهدید به اقدام نظامی و یا عملیاتی کردن این مسئله فقط می‌تواند به کندی برنامه هسته‌ای ایران - و نه توقف آن - منجر شود چنانچه در گذشته نیز سابقه تاریخی نشان داده که تهدید به اعمال زور و حتی در مواردی که کاربرد آن نیز موفقیت‌چندانی برای جلوگیری از برخی از اقدامات کشورها نداشته است چنانچه صدام علیرغم تهدید آمریکا به حمله به این کشور پس از اشغال کویت، از کویت خارج نشد و همچنین میلو سویچ نیز علیرغم تهدیدات مکرر به اقدام نظامی ازسوی ناتو از کوزوو خارج نشد علاوه‌بر این در سال ۲۰۰۳ نیز صدام علیرغم تهدیدات مکرر آمریکا و سابقه یک اقدام نظامی آمریکا علیه عراق، حاضر به تمکین خواسته‌های آمریکا نشد و این سوابق نشان می‌دهد که تهدید به استفاده از زور

1. James Dobbins, Dissuading Iran From The Bomb and Avoiding War, Public Service Europe, 2 December, 2011.

۲. از پایگاه‌های تحلیلی مسائل بین‌المللی است.

فقط می‌تواند یک ابزار مناسب برای جلب حمایت بین‌المللی برای مداخله به حساب آید، اما ابزار مناسبی برای باز داشتن کشورها از اهدافشان محسوب نمی‌شود.

از سوی دیگر بسیاری از کارشناسان اتفاق نظر دارند در صورتی که تهدید به اقدام نظامی علیه ایران نیز عملی شود، این اقدام نمی‌تواند به توقف کامل برنامه هسته‌ای ایران منجر شود، به‌علاوه نگرانی عمده کشورهای همسایه ایران از اقدامات این کشور در منطقه از جمله تلاش آن برای دستیابی به خاورمیانه اسلامی و حمایت‌های آن از جنبش‌های ضدآمریکایی و ضداسرائیلی که از نگرانی آنان نسبت به مسئله هسته‌ای ایران کمتر نیست نیز در صورت اقدام نظامی علیه ایران همچنان وجود دارد و گسترده‌تر نیز می‌شود. همچنین اسرائیل نیز آسیب‌پذیری‌های جدی نسبت به حماس و حزب‌الله دارد و همزمان با اقدام نظامی علیه ایران مسلماً واکنش ایران و متحدان آن نیز قاطع خواهد بود. این مسئله به‌ویژه با تشدید حس همدردی و همراهی مردم منطقه با ایران به افزایش نفوذ آن در خاورمیانه و تضعیف آمریکا، اسرائیل و متحدان آن به‌ویژه در کشورهایمانند مصر که افکار عمومی در پرتو تحولات اخیر بسیار حساس و واکنش‌پذیر هستند منجر خواهد شد. براساس این به‌نظر می‌رسد که با توجه به نتایج و پیامدهای منفی اقدام نظامی علیه ایران تنها گزینه ممکن برای غرب ایجاد نوعی انسجام بین‌المللی در تشدید تحریم‌ها علیه ایران و جلوگیری از عبور ایران از خط قرمز آزمایش و کاربرد سلاح هسته‌ای است.



عنوان: اشتباه استراتژیک در ارتباط با ایران^۱

نویسنده: مایکل سینگ

منبع: Foreign Policy^۲

شواهد اخیر از ایران در ماه‌های اخیر از جمله توسعه برنامه هسته‌ای آن، طرح ترور سفیر عربستان در آمریکا و اشغال سفارت انگلیس در تهران نشان می‌دهد که اگرچه رهبران ایران نگران اقدام نظامی علیه کشورشان هستند، اما آنان در اظهارات خود تلاش می‌کنند تا خلاف این مسئله را وانمود کنند چنانچه اخیراً آنان بارها در مورد ناتوانی آمریکا در واکنش به اقدامات ایران سخن گفته‌اند. این اظهارات اگرچه شاید فقط یک ادعای بی‌اساس به حساب آید، اما واقعیت این است که آمریکا اقدامات محدودی برای کاهش اعتماد به نفس رهبران ایران علیه آمریکا انجام داده است. در واقع اگرچه اوباما در مورد در نظر گرفتن همه گزینه‌ها تأکید کرده است، اما همزمان برخی از اظهارنظرهای مقامات آمریکایی، این مسئله را مخدوش کرده و تلاش اوباما برای تهدید ایران یا جلب حمایت گسترده از تحریم‌های شدید علیه این کشور را تضعیف کرده است چنانچه اخیراً لئون پانتا وزیر دفاع آمریکا با ارائه ۵ دلیل زیر بر این مسئله تأکید کرده است که چرا آمریکا نباید به ایران حمله کند:

۱. اقدام نظامی علیه ایران تنها رژیم را به دو سال عقب باز می‌گرداند زیرا که برخی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران در تیررس نیستند. از دیدگاه نویسندگان این ادعا قابل پذیرش نیست زیرا که فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی ایران دارای نقاط ضعفی

1. Michael Singh, Strategic (Mis) Communication on Iran, Foreign Policy, 7 December, 2011.

۲. از نشریات معتبر حوزه روابط بین‌الملل است.

از جمله حادثه‌ای که در انفجار اخیر موشکی آن ملاحظه شد - می‌باشد که امکان استفاده از آن وجود دارد به‌علاوه که تخریب تأسیسات هسته‌ای ایران در شرایط تحریم گسترده، امکان بازسازی مجدد تأسیسات و دستیابی مجدد به توانمندی هسته‌ای را از این کشور خواهد گرفت.

۲. اقدام نظامی علیه ایران سبب افزایش حمایت از نظام حاکم در داخل کشور و حتی در منطقه می‌شود و نویسنده تأکید می‌کند که این ادعای پانته نیز قابل پذیرش نیست زیرا که رهبران کشورهای عربی - حداقل در پنهان - رضایت کاملی از اقدام مؤثر علیه ایران دارند همچنین نظرسنجی اخیر مؤسسه پیو در سال ۲۰۱۰ نیز نشان داده که تنها اکثریت مردم پاکستان حامی برنامه هسته‌ای ایران هستند از سوی دیگر اقدام نظامی علیه ایران در داخل این کشور نیز زمینه تغییر رژیم را به‌وجود می‌آورد و این مسئله موجب نگرانی رهبران این کشور و هشدار نسبت به تکرار سقوط دو نظام قاجار و پهلوی شده که به گمان آنان به دلیل اینکه به بیگانگان آسیب‌پذیری نشان داده‌اند، نابود شده‌اند.

دلایل ۳، ۴ و ۵ پانته به واکنش تلافی‌جویانه ایران نسبت به اقدام نظامی باز می‌گردد که می‌تواند طیفی از اقدامات از جمله تلاش برای حمله پایگاه‌های آمریکا و نیروهای نظامی آن در منطقه، حمله به کشتی‌های نفتی، مسدود کردن تنگه هرمز و... باشد. به نظر نویسنده همواره در مورد واکنش متقابل ایران اغراق شده است زیرا که ایران می‌داند که هر اقدام نظامی آن، ریسک تلافی را به‌دنبال دارد به‌علاوه که در مورد گزینه‌هایی از جمله مسدود کردن تنگه هرمز، ایران تنها می‌تواند برای مدت



محدودی آن را ببندد.

براساس این، آمریکا باید به ایران نشان دهد که قادر به مهار اقدامات تلافی‌جویانه ایران می‌باشد و اظهاراتی مانند سخنان اخیر وزیر دفاع آمریکا یک خطای استراتژیک به حساب می‌آید زیرا که با کاهش احتمال اقدام نظامی علیه ایران، این کشور به فعالیت‌های خود ادامه خواهد داد. بنابراین تنها با تهدید به اقدام علیه ایران می‌توان کشورهای متحد آمریکا در منطقه روسیه و چین را نسبت به گسترده‌تر شدن تحریم‌ها علیه ایران از جمله تحریم بانک مرکزی و نفت ایران متقاعد کرد با این وجود باید توجه داشت که زمان به نفع غرب نیست و باید هم‌اکنون رهبران ایرانی را متقاعد کرد که اگرچه غرب به دنبال تنش و درگیری با ایران نیست، اما همواره آماده جنگ و پیروزی در شرایط اضطراری می‌باشد.

عنوان: اخبار ایران را با یک تلویزیون خوب پوشش دهید^۱

نویسنده: مهدی خلجی

منبع: The Washington Institute^۲

سیاست‌های آمریکا در قبال ایران باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که ارتباط با جامعه و مردم ایران را برقرار کنند. این مسئله، محور اصلی این گزارش را به‌خود اختصاص داده و نویسنده تلاش کرده است تا به ارزیابی و نقد دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران با تأکید بر اهمیت بازنگری در سیاست رسانه‌ای آمریکا در قبال ایران بپردازد. نویسنده در ابتدای گزارش به این مسئله اشاره کرده است که در شرایطی که مردم ایران در فضای ضدآمریکایی رسانه‌ای در داخل کشور قرار دارند و روابط دیپلماتیک و امکان ارتباط مردم ایران با آمریکا وجود ندارد، ابزار اصلی ارتباط آمریکا با مردم ایران از طریق دیپلماسی عمومی و به‌ویژه رسانه‌هایی مانند صدای آمریکا و رادیو فردا می‌باشد. در این میان نیز، به‌دلیل اهمیت تأثیرگذاری تلویزیون، صدای آمریکا عملاً مهمترین ابزار ارتباط و تأثیرگذاری آمریکا بر مردم ایران می‌تواند به حساب آید اما برنامه‌های تلویزیون صدای آمریکا در قالب کنونی تنها اتلاف دلارهای مالیات‌دهندگان آمریکایی است زیرا که این رسانه، اصول حرفه‌ای تولیدات تلویزیونی را نادیده می‌گیرد و برنامه‌های آن عموماً از لحاظ محتوا و شکل ضعیف می‌باشد. به نظر نویسنده، مشکل اصلی تلویزیون صدای آمریکا این است که بیشتر شبیه آژانس خبری دولتی آمریکا - و نه یک رسانه بی‌طرف - عمل می‌کند این

1. Mahdi Khalaji, Give Iran Good Television, The Washington Institute, 12 December, 2011.

۲. مؤسسه واشنگتن از مراکز پژوهشی تأثیرگذار در آمریکاست.



درحالی است که برخلاف صدای آمریکا، بی‌بی‌سی به‌عنوان موفق‌ترین تلویزیون خارجی در قبال ایران در شرایطی که بودجه خود را به‌طور کامل از دولت انگلیس دریافت می‌کند تلاش کرده است تا موجودیت خود را به‌عنوان رسانه‌ای بی‌طرف به اثبات برساند و این مسئله سبب شده است که براساس یک نظرسنجی تعداد بینندگان آن نیز به مراتب بیشتر از دو برابر بینندگان صدای آمریکا باشد.

نویسنده در ادامه گزارش با تأکید بر اینکه از یک‌سو به لحاظ شکلی نیز برنامه‌های صدای آمریکا خسته‌کننده و قدیمی هستند و ازسوی دیگر به لحاظ محتوا نیز انتخاب موضوعات به درستی صورت نمی‌گیرد، اذعان می‌کند که صدای آمریکا نمی‌تواند توجه جوانان ایرانی را به‌خود جلب کند. همچنین نویسنده اعتراف می‌کند که رسانه‌های داخلی ایران اگرچه با رویکردی ایدئولوژیک به بررسی مسائل می‌پردازد اما به‌صورت حرفه‌ای عمل می‌کنند و جذاب هستند و بر بخش وسیعی از جامعه ایران تأثیرگذارند. ازسوی دیگر نویسنده به بیان دلایل ناکارآمدی صدای آمریکا ازجمله محدودیت‌های غیرحرفه‌ای مدیران آن و میانگین سنی ۶۴ سال کارکنان آن - علیرغم میانگین سنی ۳۲ سال ایرانیان - اشاره می‌کند و در پایان توصیه می‌کند که صدای آمریکا برای افزایش تأثیرگذاری بر جامعه ایران باید از یک رسانه دولتی خارج شده و استقلال بیشتری در پخش اخبار داشته باشد همچنین با جذب مدیران و تولیدکنندگان متخصص بتواند کیفیت برنامه‌های خود را ارتقا دهد تا اوپاما و سایر مقامات آمریکایی برای گفتگو و ارتباط با ایرانیان از میان رسانه‌های فارسی‌زبان مجبور به انتخاب رسانه‌ای غیر از رسانه‌هایی که دولت آمریکا بودجه آنها را پرداخت می‌کند، نباشند چنانچه اوپاما در سپتامبر ۲۰۱۰ برای گفتگوی رسانه‌ای با ایرانیان بی‌بی‌سی را بر صدای آمریکا ترجیح داد.

عنوان: دیدار امنیتی مقامات عربستان با ایران^۱

نویسنده: سیمون هندرسون

منبع: The Washington Institute

شواهد نشان می‌دهد که با تشدید فعالیت‌های ایران در منطقه و واکنش متقابل عربستان، خاورمیانه به سمت افزایش تنش پیش می‌رود با وجود این در این شرایط خبر دیدار اخیر ولیعهد عربستان با وزیر اطلاعات ایران کاملاً ابهام‌برانگیز به حساب می‌آید. در این دیدار، دو طرف موضوع مذاکرات را دغدغه‌های مشترک دو کشور عنوان کرده‌اند این درحالی است که هم‌اکنون آنان در تقابل جدی با یکدیگر به سر می‌برند از جمله اینکه عربستان نگران تداوم فعالیت‌های هسته‌ای ایران، مداخله آن در عراق در وضعیتی که نیروهای آمریکایی از عراق خارج شده‌اند، درگیری‌های شیعه و سنی در بحرین و اخیراً تلاش ایران برای ترور سفیر عربستان در آمریکا می‌باشد. در این وضعیت می‌توان دیدار اخیر مقامات بلندپایه دو کشور را به صورت زیر تحلیل کرد که با توجه به شخصیت نایف - ولیعهد عربستان - که افکار وی نزدیک به عقاید وهابیون بوده و شدیداً نسبت به شیعیان و ایران بدگمان است و همچنین در پرتو ناآرامی‌های اخیر شیعیان عربستان که این کشور آن را مرتبط با کشورهای خارجی به ایران می‌داند لذا این دیدار ابلاغ خط قرمزی به ایران برای جلوگیری از مداخله در امور داخل عربستان می‌باشد. به عبارت دیگر با توجه به اینکه نایف یک فرد تندرو به

1. Simon Henderson, Lines in The Sand? Saudi Arabi's Securiry Meeting With Iran, 13 December, 2011.



حساب می‌آید وی احتمالاً ایران را نسبت به عواقب ناشی از تلاش برای گسترش نفوذ خود در منطقه و جهان عرب هشدار داده است. براساس این اقدام عملاً در ادامه تلاش‌های عربستان برای حمایت از سنی‌های عراق یا اقدام نظامی در بحرین برای جلوگیری از تغییر وضع موجود در منطقه است. در این میان، در اوضاعی که تنش میان ایران و عربستان به اوج خود می‌رسد سیاست آمریکا در قبال منطقه از اهمیت بسیاری برخوردار است و پیام‌های آشکاری برای منطقه دارد زیرا که از یکسو دیدار نوری مالکی و اوباما صورت می‌گیرد که به استقبال خروج نیروهای آمریکایی از عراق رفته‌اند و ازسوی دیگر آمریکا به حمایت از خیزش‌های مردمی در منطقه دست زده که با تأکید بر لزوم تغییرات دمکراتیک رژیم‌های شکننده منطقه را تهدید می‌کند و با توجه به اینکه هر دو مسئله به اعتقاد عربستان به بی‌ثباتی منطقه منجر شده و در راستای منافع ایران است، لذا با افزایش نگرانی عربستان از افزایش قدرت منطقه‌ای ایران، تنش میان دو کشور در منطقه گسترده‌تر شده و به حوزه‌های مختلف تسری می‌یابد چنانچه در اجلاس اپک نیز علیرغم اینکه ایران بر ضرورت کاهش تولید و افزایش قیمت‌ها تأکید داشت، عربستان بر ضرورت حفظ سطح بالای تولید نفت تأکید کرد.

عنوان: تغییر نظام سیاسی ایران^۱

نویسنده: جمشید چوکسی

منبع: Wall Street Journal^۲

این گزارش به بررسی سیاست‌های آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران پرداخته و با بررسی دلایل موافقان و مخالفان اقدام نظامی علیه ایران به تجویز این راهکار برای توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران و تغییر نظام در کشور اشاره کرده است. در ابتدای این گزارش، نویسنده به طرح این سؤال پرداخته است که عده‌ای از مخالفان جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر ضرورت اقدام مؤثر علیه ایران این پرسش را مطرح می‌کنند که چرا با وجود خطر رو به رشد برنامه هسته‌ای ایران، ایالات متحده و دیگر کشورها، خود را به مذاکرات، تحریم‌های اقتصادی و نفوذ الکترونیکی محدود می‌کنند؟ درحالی که هیچ‌یک از این شیوه‌ها مؤثر نبوده‌اند و نتوانسته‌اند تغییرات پایداری ایجاد کنند. نویسنده گزارش در پاسخ به این سؤال به بحث اصلی مخالفان اقدام نظامی می‌پردازد که چنین اقدامی برنامه اتمی ایران را فقط چند سال به تعویق می‌اندازد و تهران از راه عناصر عملیاتی خود دست به اقدامات تلافی‌جویانه خواهد زد و ایالات متحده را به جنگ بی‌ثمر دیگری خواهد کشاند. به‌علاوه که بسیاری بیم آن دارند که مردم ایران نیز در شور ناسیونالیستی ایجاد شده ناشی از جنگ، پشت سر حکومت خود صف‌آرایی کنند و قید دهه‌ها امید تغییر حکومت را بزنند که این

1. Jamsheed K. Choksy, How to Topple the Ayatollahs, Wall Street Journal, 23 November, 2011.

۲. از نشریات پرشمارگان آمریکایی است.



مسئله کمک بزرگی به سود نظام سیاسی حاکم بر ایران خواهد بود. در ادامه، نویسنده با رد این استدلال تأکید می‌کند که این نگرانی‌ها نسبت به اقدام نظامی علیه ایران برمبنای بدترین حالات شکل گرفته‌اند، فرض آنکه ایران برای بازسازی سریع منابع کافی در اختیار داشته باشد و عامل بازدارنده‌ای اقدامات تلافی‌جویانه احتمالی ایران را خنثی نکند و فرض اینکه مردم طبقه متوسط ایران پشت سر حکومتی صف‌آرایی کنند که از آن به‌خاطر سرکوب مخالفان، قوانین کنترل پوشش، مشکلات اقتصادی و سیاست انزواطلبی حکومت، ناراضی هستند قابل قبول نیست. به‌نظر نویسنده با توجه به این شرایط، نباید نتیجه گرفت که پذیرش ایران اتمی اجتناب‌ناپذیر است، بلکه باید به فکر راه برخورد دیگری بود که در گزینه اقدام نظامی علیه ایران نه تنها توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران، بلکه تغییر رژیم را مورد نظر قرار داد. لذا هدف واقعی حملات هوایی نباید تنها نشانه گرفتن تأسیسات اتمی ایران باشد، بلکه باید دست نظام را طوری ببندد که نتواند از این ماجرا برای محافظت خود در برابر جنبش مردمی تغییر نظام رژیم بهره‌برد. در واقع باید به این مسئله توجه داشت که خیزش مردمی پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۹ به این دلیل از مسیر خود منحرف شد که تقریباً هیچ‌کس امید و توان غلبه بر نیروهای سپاه پاسداران و بسیج را ممکن نمی‌دید. بنابراین این بدان معناست که حملات هوایی غرب باید دیگر مراکز تولید ابزار نظامی و پایگاه‌های سپاه پاسداران و بسیج را مورد هدف قرار دهد. هر گامی که غرب در تضعیف آنان بردارد، به مردم ایران دوباره فرصت برخاستن می‌دهد. آن هم در شرایطی که نارضایتی عمیق در تمام گروه‌های اجتماعی و طبقات اقتصادی ریشه دوانده و حتی دیوان‌سالاران و مأموران خدمات دولتی، نیروهای

نظامی و مقامات منتخب نظام نیز از این ماجرا مستثنا نیستند.

از سوی دیگر نویسنده مدعی است که ادعای سپاه پاسداران مبنی بر تلافی هرگونه حمله، یک ادعای بی‌اساس بیشتر نیست. قایق‌های تندرو نیروی دریایی ایران و زیردریایی‌های بسیار کوچک ایران در خلیج فارس به سادگی می‌توانند با نشانه‌گیری‌های دقیق مورد هدف قرار گیرند. به همین ترتیب آتشبار توپخانه ارتش در امتداد تنگه هرمز را نیز می‌توان مورد هدف قرار داد تا بدین‌وسیله مبنای تهدید دادوستدهای دریایی منطقه و از جمله تهدید ترابری نفت خام برای همیشه برچیده شود. با وجود این نویسنده این گزارش اذعان می‌کند که البته برنامه هسته‌ای را نمی‌توان به‌طور کامل نابود کرد، اما آسیبی که به این تأسیسات وارد می‌آید، حتی در اعماق زمین، به چندین سال وقت برای مرمت نیاز دارد. در این شرایط با توجه به تحولات اخیر در خاورمیانه که به تغییر چند نظام سیاسی منجر شده است اگر که فشارها علیه ایران تداوم یابد، در صورت یک اقدام نظامی مناسب نه تنها تغییر رژیم در ایران محقق می‌گردد، بلکه موقعیت گروه‌هایی مانند حماس و حزب‌الله و رهبرانی چون بشاراسد، کیم جونگ ایل و هوگو چاوز شکننده می‌شود. به‌علاوه که پس از تغییر حکومت، نظام جدید نیازمند کمک‌های اقتصادی و راهنمایی‌های سیاسی آمریکا و اروپا خواهد بود و چنین امری می‌تواند یک سرمایه‌گذاری ارزشمند تلقی شود و حتی اگر حکومت جدید نیز به تدریج ارتش خود را بازسازی کند و برنامه اتمی‌اش را از سر بگیرد، دستکم سلاح اتمی در دستان حکومتی خواهد بود که معتدل و میانه‌روتر از نظام حاکم خواهد بود. بنابراین، نویسنده در پایان نتیجه‌گیری می‌کند که تغییر رژیم به‌عنوان بهترین گزینه برای مهار تهدیدات هسته‌ای ایران باقی می‌ماند.



عنوان: جنگ علیه ایران هم‌اکنون آغاز شده است^۱

نویسنده: سومز میلنه

منبع: The Guardian^۲

این گزارش به بررسی سیاست‌های آمریکا و انگلیس علیه ایران پرداخته و تأکید کرده است که جنگ پنهان آمریکا - اسرائیل علیه ایران، با حمایت انگلیس و فرانسه عملاً آغاز شده است. نویسنده در ابتدای گزارش تأکید کرده است که پس از ده سال شکست خونبار غرب در افغانستان و عراق و بی‌ثباتی شدید در پاکستان و یمن، ناکامی در لبنان و کشتار در لیبی، شاید برخی این‌گونه تصور کنند که آمریکا و متحدان آن از اشغال جهان اسلام به آنچه می‌خواستند رسیده‌اند، اما این مسئله این‌گونه نیست و ایرانیان هرگز تسلیم نمی‌شوند. در واقع، با گذشت شواهد موجود در تحولات چند ماه اخیر نیز که روز به روز در حال افزایش است نشان می‌دهد که جنگ پنهان آمریکا - اسرائیل علیه ایران، با حمایت انگلیس و فرانسه عملاً آغاز شده است. حمایت محرمانه از گروه مخالف مسلح اقدام به ترورهایی علیه دانشمندان ایرانی و جنگ الکترونیک و... در دستور کار قرار گرفته است. براین اساس حملات به ایران اگرچه مستقیماً آشکار و شناخته شده نیست، اما برخی گزارش‌هایی که از سیستم‌های اطلاعاتی غربی به بیرون درز کرده است نشان می‌دهد که این جریان مستمراً پیگیری می‌شود و رسانه‌ها نیز با رویکردی خصمانه آن را پوشش می‌دهند.

1. Seumas Milne, War on Iran has Already Begun, Act Before it Threatens all of us, The Guardian, 7 December, 2011.

۲. از نشریات بریتانیایی است.

در این میان عجیب‌ترین موضوعی که اخیراً مطرح شد، ادعای وجود توطئه‌ای ایرانی برای ترور سفیر سعودی در آمریکا بود. در این راستا قدرت‌های غربی تاکنون فشارهای خود را برای اعمال تحریم بیشتر بر برنامه هسته‌ای ایران تشدید کرده‌اند. نویسندگان در ادامه گزارش به نقش دولت انگلیس در سیاست‌های خصمانه غرب علیه ایران اذعان کرده و تأکید می‌کند که دولت انگلیس زمام کار را در جریان فشار علیه ایران دست گرفته و تحریم‌هایی علیه بانک مرکزی ایران و فشارهایی علیه اتحادیه اروپا برای تحریم کردن نفت ایران اعمال کرده است. این اقدام انگلیس به تظاهرات در مقابل سفارت این کشور در ایران و اشغال سفارت انگلیس و اخراج دیپلمات‌های ایران از لندن منجر شد. به نظر نویسندگان، این امر، تجربه‌ای بود برای اینکه چگونه یک کشمکش می‌تواند به سرعت تشدید شود. از سوی دیگر، مسئولان وزارت دفاع انگلیس در ماه گذشته میلادی (نوامبر) به روزنامه انگلیسی گاردین اعلام کردند که اگر آمریکا بخواهد در طرح‌های خود برای حمله به ایران پیش‌تر برود و آمریکا به دنبال جذب کمک‌هایی نظامی از انگلیس باشد مسلماً انگلیس مضایقه نخواهد کرد و به شیوه‌های گوناگون از جمله حمایت‌های دریایی، هوایی و حتی اخذ مجوز برای استفاده از جزیره سان‌دیگو را در دستور کار خود خواهد گذاشت. نویسندگان در این زمینه تأکید می‌کند که انگیزه مسئولان انگلیسی چه آماده کردن افکار عمومی برای جنگ یا هشدار درباره آن باشد، این امر که انگلیس کاملاً آمادگی دارد که در اقدام تحریک‌آمیزی از طرف آمریکا که برای ایران سابقه نداشته است شرکت کند اعترافی غیرمعمول است (اگرچه انگلیس هشت سال پیش علیه عراق وارد عمل شد) این درحالی است که پیش از این در زمان حمله به عراق جک استراو (وزیر خارجه وقت انگلیس) مشارکت در حمله به عراق را رد نکرد و دیوید کامرون (نخست‌وزیر انگلیس)



تنها آن را به عنوان گزینه‌ای که نباید خارج از میز مذاکره گذاشت مطرح می‌کرد، اما اکنون تهدید مستقیم به مشارکت در جنگ علیه ایران به صراحت مطرح شده است و این مسئله شبیه یک معامله که توافق در مورد آن نهایی شده به نظر می‌رسد. چنانچه حتی هیچ بحثی در مورد عواقب جنگ آمریکا علیه ایران در پارلمان انگلیس نشده است و هیچ مخالفت و چالشی از جانب جریان‌های سیاسی مطرح نشده است. به اعتقاد نویسنده، اگرچه مسلماً کسی تردید ندارد که آغاز جنگ علیه ایران عواقبی وخیم خواهد داشت، اما این همان موضوعی است که بیش از هر چیز شوک‌آور است زیرا این مسئله علیه ایران، به شکل دیوانه‌کننده‌ای توهمی پیگیری می‌شود.

نویسنده در ادامه گزارش اذعان می‌کند که حقیقت این است که هیچ مدرک موثقی از اینکه ایران برنامه‌ای برای ساخت سلاح اتمی دارد وجود ندارد. جدیدترین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم بار دیگر در ارائه دلیلی قاطع در این خصوص شکست خورد این شرایط دقیقاً شبیه وضعیت دوره زمانی قبل از اشغال عراق است که استناد قوی‌ترین ادعاها به اطلاعات جاسوسی محرمانه دولت‌های غربی بود با این تفاوت که جیمز کلایبر مدیر دستگاه اطلاعات ملی آمریکا تأکید کرده است که اطلاعات نشان می‌دهد که ایران برنامه سلاح را سال ۲۰۰۳ متوقف کرده و این برنامه هنوز فعال نشده است. از سوی دیگر، ایران همواره اعلام کرده است که قصد دستیابی به سلاح هسته‌ای را ندارد. این درحالی است که ایران توسط کشورهای احاطه شده است که هسته‌ای هستند. آمریکا در دو کشور همسایه ایران افغانستان و پاکستان نیرو دارد و در منطقه نیز پایگاه‌هایی دارد و اسرائیل و روسیه و پاکستان و هند نیز هسته‌ای هستند. از سوی دیگر، ایران مانند متحدان غرب در منطقه از جمله عربستان

کشور سرکوبگری نیست. ایران حداقل بیش از ۲۰۰ سال است که هیچ کشوری را اشغال نکرده است ولی هدف حمله کشور عراق قرار گرفته است که غرب از آن حمایت می‌کرد. به‌علاوه که آمریکا و اسرائیل در دهه گذشته حداقل به ده کشور حمله کرده‌اند. انگلیس نیز در بیش از یکصد سال گذشته از دولت‌های ایران سوءاستفاده و این کشور را اشغال کرده و دولت‌هایی را در ایران ساقط کرده است. بنابراین باید دقت کرد که دقیقاً چه کسی، چه کسی را تهدید می‌کند؟ این درحالی است که ایهود باراک وزیر دفاع اسرائیل اخیراً اعلام کرده که اگر وی یکی از رهبران ایران بود، به احتمال قوی تمایل داشت که سلاح اتمی در اختیار داشته باشد. وی ادعا کرده که ایران تهدیدی برای موجودیت اسرائیل است زیرا احمدی‌نژاد رئیس‌جمهوری ایران اعلام کرده است که اسرائیل باید محو شود، اما این ادعا اصلاً ربطی به واقعیت‌ها ندارد. حتی با توجه به گمان برخی که می‌گویند سلاح هسته‌ای بلندپروازی حقیقی ایران است، حتی اگر ایران از آستانه هسته‌ای هم عبور کرده باشد، باز در وضعیتی نخواهد بود که آن را مستعد حمله به کشوری کند که بیش از ۳۰۰ کلاهک اتمی دارد و مورد حمایت کامل ده‌ها نهاد نظامی قدرت در جهان است.

در ادامه نویسنده تأکید می‌کند که چالش حقیقی که ایران برای آمریکا و اسرائیل دارد این است که ایران قدرتی منطقه‌ای و مستقل و همچنین متحد سوریه، حزب‌الله لبنان و جنبش فلسطینی حماس است. همزمان با عقب‌نشینی نیروهای آمریکا از عراق و اقدام عربستان به ترغیب درگیری مذهبی و وعده برخی رهبران معارض در سوریه برای قطع مناسبات سوریه جدید با ایران، حزب‌الله و حماس، تهدید جنگ‌های نیابتی در همه جای منطقه افزایش یافته است، اما هر حمله آمریکا یا اسرائیل به ایران، این



گرداب منطقه‌ای را به طوفانی جهانی تبدیل می‌کند. مطمئناً ایران مستقیم یا از طریق متحدان خود از اسرائیل و آمریکا و کشورهای مزدور آنان در منطقه انتقام خواهد گرفت و علاوه بر میزان کشتار یا ویرانی، مانع عبور ۲۰ درصد از تولیدات نفت جهان خواهد شد که از تنگه هرمز عبور می‌کند. تأثیر این امر بر اقتصاد جهان قابل ارزیابی نیست. بنابراین عقل سلیم با این چنین تجاوزی مخالف است. چنانچه حتی مؤثر داگان رئیس سابق موساد گفت که این امر فاجعه خواهد بود. لئون پانتا وزیر دفاع آمریکا نیز اعلام کرد که آغاز جنگ با ایران خاورمیانه را وارد درگیری‌ها و کشمکش‌هایی می‌کند که ما را پشیمان می‌کند. در این وضعیت، به نظر می‌رسد که تردید وجود دارد که آمریکا درخصوص حمله مستقیم به ایران احساس نگرانی زیادی می‌کند ولی در اسرائیل ایهود باراک اعلام کرد که یک سال بیشتر زمان برای اقدام علیه ایران باقی نمانده است. همچنین بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل نیز گفته است که تصمیم مناسب باید در زمان مناسب گرفته شود. رسانه‌های اسرائیل هم به‌طور گسترده ابعاد تمایل آمریکا به مشارکت در حمله اسرائیل را بررسی کردند.

نویسنده در پایان گزارش تأکید می‌کند که شاید هیچ‌گاه این جنگ رخ ندهد. شاید سخن از جنگ بیشتر درباره بی‌ثبات شدن منطقه باشد تا درباره حمله‌ای فراگیر. ولی بدون شک کسانی در آمریکا، اسرائیل و انگلیس هستند که نظرشان برخلاف این امور است. شاید هم خطر ارزیابی اشتباه و منطق تشدید اوضاع کفه ترازو را قاطعانه سنگین کند. شاید اگر مخالفان جنگ علیه ایران جدی‌تر عمل نکنند، این جنگ ویران‌کننده‌ترین جنگ برای همه ما باشد.

عنوان: آیا ایران می‌تواند تنگه هرمز را ببندد؟^۱

نویسنده: مارک تامسون

منبع: Time^۲

در شرایطی که ایران هنوز به سلاح هسته‌ای دست نیافته است، این کشور با در دست داشتن یک کارت برنده در بازی با سایر کشورها از به‌کارگیری یک تهدید جدی یعنی تهدید بستن تنگه هرمز در صورت هرگونه حمله احتمالی سخن می‌گوید. این مسئله توسط فرمانده نیروی دریایی ایران در خلال مانور ده روزه ایران مطرح شده که ایران به آسانی می‌تواند تنگه هرمز را مسدود کند. در واقع ایران با توانایی‌های بالقوه و بالفعلی که در جنگ متقارن و نامتقارن در خلیج فارس که نیروی دریایی آن دارد از توانمندی‌های بسیاری برای اقدام در منطقه برخوردار است با وجود این، تهدید کردن و اجرای چنین تهدیدی دو موضوع متفاوت با یکدیگر هستند اگرچه که دیپلمات‌های غربی معتقدند که ایران به‌راحتی توانایی بستن تنگه هرمز را دارد، اما این دیدگاه خود را پنهان می‌کنند. براساس این هنگامی که ایالات متحده آمریکا به چنین تحرکاتی که از سوی ایران انجام می‌شود فوراً پاسخ می‌دهد، به معنی آن است که فقط به‌دنبال افزایش تنش در موضع‌گیری‌هاست و نه در عمل. در این میان باید توجه داشت که نکته‌ای که همه تحلیل‌هایی که مسئله احتمال بسته شدن تنگه هرمز توسط ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند، مطرح می‌کنند به مسئله صادرات نفت ایران باز می‌گردد

1. Mark Thompson, Can Iran Close the Strait of Hormuz? Time, 28 December, 2011.

۲. از نشریات معتبر بین‌المللی است.



که خود بیش از نیمی از درآمد و بودجه‌اش را از صادرات نفتی تأمین می‌کند که از تنگه هرمز عبور می‌کند لذا اگر تحریم‌های جدید علیه ایران، تحریم نفتی باشد، در آن صورت ایران راحت‌تر خواهد توانست تنگه هرمز را ببندد زیرا نیازی به صادرات نفت نخواهد داشت. در این شرایط نباید از این مسئله نیز چشم‌پوشی کرد که اگر ایران تنگه هرمز را ببندد، خشم جامعه بین‌الملل را برمی‌انگیزد؛ زیرا بستن شدن تنگه هرمز ضربه بسیار سنگینی به اقتصاد جهان به‌ویژه کشورهای واردکننده نفت خواهد زد. در این وضعیت اگر ایالات متحده آمریکا برای مقابله با تهدیدات ایران از روش حمله نظامی وارد شود، چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ طبق بررسی نظامی رودنی میلز فرمانده نیروی دریایی ارتش آمریکا درباره تهدیدات ایران، استفاده از قدرت نظامی در برابر تهدیدات ایران روش منطقی و آسانی نیست زیرا ایران در سال‌های اخیر موفق شده که به هزاران مین دریایی و تعداد زیادی موشک پیشرفته کروز و بیش از هزار قایق جنگی سریع‌السیر و پیشرفته دست یابد.

نویسنده در ادامه با توجه به خطرات ناشی از اقدام نظامی علیه ایران تأکید می‌کند که به‌نظر می‌رسد که آمریکا و هم‌پیمانانش نبرد با ایران را نه در تنگه هرمز بلکه در دریای عرب باید پیگیری کنند زیرا منطقه‌ای «نسبتاً امن» برای نیروی دریایی آمریکا به‌شمار می‌رود و نبرد در آن نقطه، قدرت ایران را خواهد گرفت و مانع آن می‌شود که بتواند به راحتی به ضربات آمریکا پاسخ دهد، البته این به معنی آن نیست که درگیری در آن نقطه نیز آسان خواهد بود بلکه چنین پیش‌بینی‌ای کاملاً اشتباه خواهد بود. زیرا که بدون شک در صورت وقوع هرگونه درگیری، ایران از تمام قدرت و توان نظامی خود استفاده خواهد کرد.

عنوان: واکنش‌ها به تهدید ایران در بستن تنگه هرمز^۱

نویسنده: ریک گلاستون

منبع: NY times^۲

این گزارش به بررسی تهدید ایران به مسدود کردن تنگه هرمز پرداخته و تأکید کرده است که در صورت وقوع چنین درگیری‌ای، اقتصاد آمریکا و اروپا در معرض خطر جدی‌ای قرار خواهد گرفت. نویسنده در ابتدای گزارش با اشاره به سخنان حبیب‌الله سیاری فرمانده نیروی دریایی ارتش ایران در مورد توانایی ایران در بستن تنگه هرمز سخن اذعان کرده است که فرمانده نیروی دریایی ارتش ایران درحالی از کنترل کامل ایران بر این آبراه استراتژیک خبر داده که هم‌اکنون نیروهای این کشور درحال انجام مانور نظامی در نزدیکی تنگه هرمز هستند و او دومین مقام ایرانی است که در ۲۴ ساعت گذشته این تهدید را تکرار کرده است. این درحالی است که هم ناوگان پنج دریایی آمریکا مستقر در بحرین و هم وزارت دفاع این کشور به اظهارات سیاری پاسخ گفته و تأکید کرده‌اند که آزادی عبور و مرور کالا و خدمات از تنگه هرمز یک مسئله مهم برای کشورهای منطقه و جهان است و هرگونه اقدامی برای ممانعت از این مسئله تخلف از قواعد بین‌المللی و غیرقابل تحمل است و آمریکا از آمادگی لازم برای جلوگیری از تحقق این تهدید برخوردار است. همچنین فرانسه نیز همزمان با این تهدیدات ایران با تأکید بر اینکه تنگه هرمز یک تنگه بین‌المللی است و کلیه کشورها

1. Rick Gladstone, Noise Level Rises Over Iran Threat to Close Strait of Hormuz, NY times, 28 December, 2011.

۲. نیویورک تایمز از روزنامه‌های وابسته به دمکرات‌های آمریکاست.



می‌توانند فارغ از ملیتشان از حق عبورومرور آزاد از آن برخوردار باشند از ایران خواسته به مقررات بین‌المللی پایبند باشد.

نویسنده گزارش در ادامه تأکید کرده است که اقدامات اخیر ایران نوعی واکنش به تلاش آمریکا و اروپا برای افزایش فشارهای اقتصادی علیه ایران پس از چهار دور تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل با هدف مقابله با پرونده هسته‌ای این کشور است که درصدد تحریم نفت ایران هستند و ازاین‌رو برخی از مقامات ایران نیز تأکید کرده است که در صورتی که نتواند به واسطه تحریم‌ها نفت خود را صادر کند اجازه عبور و انتقال نفت از تنگه هرمز به سایرین را نیز نخواهد داد. در این میان باید توجه داشت که تنگه هرمز مهمترین معبر عبور انرژی در جهان به حساب می‌آید زیرا که ۳۳ درصد از نفت جهان که در سال ۲۰۰۹ از طریق دریا منتقل شده از آن عبور کرده و در مجموع ۲۰ درصد از نفت مبادله شده در سطح جهان از طریق آن منتقل می‌شود. براین اساس است که بازار جهانی بلافاصله به تهدید مسدود شدن تنگه هرمز واکنش داده و قیمت نفت در اثر این تهدید ایران به بیش از ۱۰۰ دلار افزایش یافته است. این درحالی است که هنوز کسی ارزیابی از میزان جدی بودن ایران در علمی ساختن این مسئله ندارد.

عنوان: ایران تمایلی به بستن تنگه هرمز ندارد^۱

نویسنده: توماس اردبرینک

منبع: Washington post^۲

آخرین سری تهدیدات ایران برای مسدود کردن تنگه هرمز با واکنش سریع مقامات نظامی آمریکا مواجه شد این درحالی است که به نظر می‌رسد شانس ایران برای انجام این اقدام کم است زیرا که علیرغم تهدیدات ایران برای بستن تنگه هرمز در صورت تحریم‌های شدیدتر علیه این کشور، تحلیلگران برآنند که نیاز جمهوری اسلامی به تنگه هرمز برای تأمین نیازهای خود، بیشتر از دشمنانش است. با وجود این، ایران که از حضور آمریکا و پایگاه‌های نظامی آن در منطقه نگران است همواره از تهدید به بستن این تنگه سخن گفته است. در وضعیت کنونی، اقدام ایران به تهدید مسدود کردن تنگه هرمز واکنشی است به تلاش اتحادیه اروپا که با ترغیب آمریکا، به دنبال تحریم نفتی ایران است این درحالی است که ژاپن و کره جنوبی هم تحت فشار هستند تا این تحریم را اجرا کنند. در واقع، آمریکا قصد دارد تا با مشکل‌سازی در درآمدهای نفتی ایران، برنامه هسته‌ای این کشور را که به گمان او با ما درصدد ساخت بمب اتمی است متوقف کند، اما ایران که همواره تأکید کرده که برنامه هسته‌ای آن صلح‌آمیز است در واکنش به تشدید تحریم‌ها به گزینه تهدید مسدود کردن تنگه هرمز متوسل شده است.

1. Thomas Erdbrink, Iran Unlikely to Block oil Shipments Through Strait of Hormuz, Analysts Say, Washington post, 28 December.

۲. از روزنامه‌های وابسته به حزب جمهوریخواه آمریکاست.



در این میان، آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد این است که تبعات و پیامدهای این اقدام ایران و یا حتی تهدید به آن توسط ایران برای کشورهای غربی بسیار منفی است زیرا که بستن تنگه هرمز موجب افزایش قیمت نفت خواهد شد و ضربه بزرگی به اقتصاد جهانی خواهد زد. به علاوه که با تشدید تحریم‌ها، ایران به مانور ده روزه‌ای در راستای جنگ نامتقارن نیز دست زده است. این مسئله سبب واکنش‌هایی از سوی مقامات نظامی آمریکایی از جمله فرماندهان نظامی آمریکا در پایگاه پنجم آن در بحرین شده که تأکید کرده‌اند که هیچ کشوری حق مسدودسازی تنگه را ندارد و در برابر این اقدام آمریکا برخورد خواهد کرد.

از سوی دیگر کشورهای منطقه نیز در برابر تهدیدهای مکرر ایران منفعل نبوده‌اند از جمله امارات متحده عربی که با کشیدن یک خط لوله که روزانه ۲/۵ میلیون بشکه نفت انتقال می‌دهد تلاش کرده است تا از پیامدهای بسته شدن تنگه هرمز بکاهد. در این زمینه اگرچه مقامات ایرانی بارها گفته‌اند که این‌گونه اقدامات نمی‌تواند از اهمیت تنگه هرمز بکاهد، اما اظهارنظرهای مکرر آنان نشان می‌دهد که نسبت به این مسئله نگرانند. علاوه بر این، ایران خود نیز از تنگه هرمز برای انتقال نفت خود به بزرگترین مشتری‌اش یعنی چین بهره می‌برد و با توجه به درصد بالایی سهم درآمد حاصل از نفت در بودجه کشور، بستن تنگه هرمز مشکلات اقتصادی زیادی را برای ایران نیز به دنبال دارد. لذا به نظر برخی از کارشناسان، تهدیدات ایران برای بستن تنگه هرمز نوعی تهدید متقابل علیه تهدیدات آمریکاست و واقعی نیست.

عنوان: کنار آمدن با ایران هسته‌ای^۱

نویسنده: جیمز دوبینز و دیگران

منبع: The Rand Corporation^۲

نویسندگان این مقاله با بررسی چگونگی برخورد آمریکا با برنامه‌های هسته‌ای ایران تلاش کرده‌اند تا با رویکردی راهبردی به ارزیابی استراتژی‌های آمریکا در قبال ایران بپردازند. نویسندگان در ابتدا به بررسی منافع، اهداف و استراتژی‌های آمریکا، ایران و سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته‌اند و سپس ابزارهای آمریکا و آسیب‌پذیری‌های ایران را مورد ارزیابی قرار داده و در نهایت به گزینه‌های ممکن در استراتژی آمریکا در قبال ایران از جمله درگیری، مهار، اقدام پیش‌دستانه، بازدارندگی، عادی‌سازی روابط و تغییر رژیم به تفکیک اشاره کرده‌اند. به نظر نویسندگان، ایران در آستانه هسته‌ای شدن قرار گرفته و از این رو دستیابی آن به تسلیحات هسته‌ای و یا به ظرفیت تولید سریع آن، اجتناب‌ناپذیر است، اما تفاوت زیادی میان تأیید و پذیرش یک مسئله وجود دارد لذا آمریکا باید گزینه‌های مواجهه با ایرانی را که در حال فعالیت برای دستیابی به توانایی هسته‌ای است، مورد بازنگری قرار دهد. در واقع، اگرچه پژوهشگران زیادی مطالبی در مورد چگونگی تعامل با ایران برای توقف فعالیت‌های هسته‌ای آن نوشته‌اند، اما ضروری است از هم‌اکنون به بررسی چگونگی تعامل با ایران قبل و پس از هسته‌ای شدن نیز پرداخت.

1. James Dobbins, Alireza Nader, Dklila Dassa Kaye, Frederic Wehrey, Coping With A Nuclearizing Iran, The Rand Corporation, 2011.

۲. از مؤسسات معتبر و بانفوذ در دولت آمریکا است.



نویسندگان در ادامه مقاله به بررسی اهداف و منافع آمریکا در قبال ایران پرداخته و به سه هدف مهار رفتار بیرونی ایران، تعدیل سیاست داخلی آن و توقف برنامه هسته‌ای ایران اشاره می‌کنند که برای دستیابی به این اهداف آمریکا باید در یک برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت آنها را محقق کند. از دیدگاه آنان، هدف بلندمدت آمریکا باید این باشد که فعالیت‌های ایران کاملاً در تطابق با معاهده منع اشاعه هسته‌ای درآیند. هدف کوتاه‌مدت نیز باید متوقف ساختن برنامه ایران از رسیدن به سطح تسلیحاتی باشد. دستیابی به این دو هدف نیازمند استفاده زیرکانه و هوشمندانه از تاکتیک هویج و چماق است. از سوی دیگر، گزینه تغییر رژیم به‌عنوان بهترین و شاید تنهاترین راه دستیابی به سه هدف عمده آمریکا مورد اشاره قرار گرفته چون که این امر باعث می‌شود رفتار بیرونی ایران مهار شود، سیاست‌های داخلی تعدیل شود و برنامه تسلیحاتی هسته‌ای این کشور معکوس گردد. بنابراین سیاست آمریکا باید به شکلی طراحی شود که هر سه هدف را در کنار هم پیش برد. پیشرفت در هریک از این اهداف می‌تواند به پیشرفت دو هدف دیگر نیز کمک کند و یا حداقل از ضرورت دستیابی فوری به آنها بکاهد. در عین حال میان این سه هدف، یا دستکم سیاست‌هایی که قرار است آن اهداف را پیش برد، مشکلاتی وجود دارد.

از دیدگاه نویسندگان، ایران و آمریکا هر دو دلایلی اساسی برای نفرت متقابل دارند. ناراحتی‌های ایران به نقش آمریکا در سرنگونی دولت منتخب ایران در سال ۱۳۳۲ باز می‌گردد که در پی آن با حمایت واشنگتن از شاه ایران، سلطنت وی ۲۶ سال دیگر ادامه یافت. پس از آن نیز آمریکا در جنگی تجاوزکارانه از صدام علیه ایران حمایت کرد و در جریان این جنگ، نیروی دریایی آمریکا، هواپیمای غیرنظامی

ایران را بر فراز آب‌های بین‌المللی در خلیج فارس سرنگون کردند. از سوی دیگر، یکی از عمده‌ترین دلایل ناراحتی آمریکا از ایران تسخیر سفارت پیشین آمریکا در تهران و حمایت ایران از جریان مقاومت بوده و در دهه گذشته نیز برنامه هسته‌ای ایران به نگرانی اصلی آمریکا تبدیل شده است. این درحالی است که اگرچه همکاری با عناصر ضداسرائیلی و ضدآمریکایی در سیاست ایران ریشه‌های تاریخی و ایدئولوژیک دارد، ولی از نظر ژئوپلیتیکی ابزاری را در اختیار تهران قرار می‌دهد که می‌تواند مستقیماً بر مردم دولت‌های عرب تأثیر گذارد. به‌علاوه که ایران در تاریخ خود، سابقه هیچ‌گونه تجاوز نظامی را ندارد. در عین حال عامل اصلی هراس همسایگان ایران، ارتش این کشور نیست، بلکه ندای جمهوری اسلامی خطاب به مردم کشورهای همسایه به‌عنوان اردوگاه ضدآمریکایی، ضداسرائیلی و احساسات شیعی است.

در ادامه این مقاله، نویسندگان به ارزیابی واکنش کشورهای منطقه در قبال برنامه هسته‌ای ایران و سیاست خارجی آن پرداخته‌اند و تأکید کرده‌اند که رژیم‌های عرب، به‌خصوص کشورهای حوزه خلیج فارس، رفتار ایران را با ترکیبی از ترس و احتیاط پاسخ داده‌اند و برای محافظت از خود گوشه چشمی به آمریکا دارند، درحالی که سیاست آنها عبارت از نگهداشتن خطوط باز ارتباط با تهران و اجتناب از تعهد بیش از حد باز در قبال واشنگتن است که مهمترین آن نیز برنامه هسته‌ای ایران است. اروپا به نوبه خود، تمایلی به استقبال از نظر جورج بوش رئیس‌جمهور پیشین آمریکا که بر اقدام پیش‌دستانه به‌عنوان پاسخی به توسعه هسته‌ای تأکید می‌کرد، ندارد. قدرت‌های بزرگ اروپایی مانند بوش در دوره دوم ریاست‌جمهوری‌اش و پس از آن



باراک اوباما که لحن تند خود در قبال ایران را تعدیل کردند، به تلاش‌های واشنگتن برای به‌کارگیری تحریم با هدف برچیدن برنامه هسته‌ای ایران پیوستند، البته روسیه و چین نیز با وجودی که احتیاطی بیشتر به خرج دادند، اما در نهایت همین کار را کرده‌اند. براین اساس، درحال حاضر کشورهای منطقه و قدرت‌های جهانی در مخالفت با برنامه هسته‌ای ایران نسبتاً متحدند، اما تعداد انگشت‌شماری از آنها با همان جدیتی که سیاست آمریکا بر آن تأکید دارد، با ایران برخورد می‌کنند. با این وجود دولت اوباما کاملاً در جلب حمایت گسترده بین‌المللی برای اعمال تحریم بر ایران موفق بوده است. اغلب کشورهای بزرگ اروپایی و متحدان آمریکا به تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران پیوسته‌اند و روابط تجاری خود را با جمهوری اسلامی را محدود کرده‌اند. با این حال این ائتلاف شکننده باقی می‌ماند و احتمالاً نمی‌تواند به تحریم‌های بیش از حد منجر شود. از سوی دیگر وقوع جنبش‌های مردمی در خاورمیانه نیز نقش مهمی در نگاه و واکنش کشورها به مسائل ایران دارد. در این میان، کشورهای پادشاهی حوزه خلیج فارس به بهار عربی به‌عنوان تهدیدی برای ثبات خود می‌نگرند. این رویداد هراس آنها را از چالش ایدئولوژیک نه‌تنها از جانب ایران، بلکه از دمکراتیزه شدن کشورهای عربی و پشتیبانی که آمریکا از این فرآیند می‌کند، افزایش می‌دهد. بنابراین این رژیم‌ها با احتیاط بیشتری در روابط خود با هر دو حکومت تهران و واشنگتن برخورد خواهند کرد اما در مورد سوریه، با به قدرت رسیدن یک حکومت مردمی احتمالاً روابطش با تهران ضعیف و با آمریکا تقویت خواهد شد که این امر بازی در منطقه را به شکلی واقعی تغییر می‌دهد.

در این شرایط، باید توجه داشت که اهرم دیپلماتیک آمریکا در قبال ایران به دلیل

تاریخ تلخ روابط ایران و آمریکا محدود است و بعید است ایران به تلاش‌های واشنگتن برای تعامل با این دولت واقعی بنهند. تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و قانون آمریکایی تحریم جامع ایران، حتی اگر اثر کمی بر سیاست ایران داشته باشد، اما تنزل بسیار قابل ملاحظه‌ای را در توانایی اقتصادی و نظامی ایران موجب شده و در نتیجه ظرفیتش را برای گسترش نفوذ و قدرت محدود کرده است. به‌علاوه که عملیات اطلاعاتی در رابطه با ایران از جمله حمله و ویروس رایانه‌ای استاکس‌نت و ترور دانشمندان هسته‌ای ایران نیز شاید پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران را کند و ایران را به پای میز مذاکره برگرداند، اما احتمالاً ایران را برای ادامه برنامه هسته‌ای خود مصمم‌تر می‌کند و با جهت‌گیری ایران برای خودکفایی اقتصادی، تکنولوژیکی و نظامی، اهرم فشار اقتصادی و دیپلماتیک آمریکا در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران تضعیف می‌شود زیرا که جمهوری اسلامی به‌عنوان یک دولت انقلابی، آمادگی تحمل میزان قابل توجهی از درد و انزوا به‌منظور دستیابی به استقلال، قدرت منطقه‌ای و اعتبار را دارد.

در ادامه این مقاله در بررسی گزینه‌های پیش‌روی در سیاست آمریکا در قبال ایران آمده است: سیاست تعامل محض بر استفاده از دیپلماسی برای حل و فصل اختلافات تأکید دارد درحالی که به‌دنبال افزایش رفت‌وآمد، تبادلات فرهنگی و تجارت میان آمریکا و ایران است. بعید است چنین سیاستی بتواند در شرایط فعلی اهداف آمریکا را پیش برد. سیاست مهار محض نیز موجب ائتلاف‌های دفاعی، تحریم‌ها و نبودن ارتباط به‌منظور منزوی کردن و مجازات ایران می‌شود. این استراتژی می‌تواند در برابر رفتار خارجی مانع ایجاد

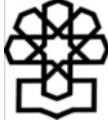


کند، اما به افزایش حمایت مردمی از برنامه هسته‌ای منجر می‌شود. پیشگیری فراتر از مهار صرف است و شامل تهدید تهاجمی یا استفاده از نیروی نظامی برای جلوگیری از برخی حوادث ناخواسته است. چنین رویکردی می‌تواند روند برنامه هسته‌ای ایران را آهسته کند، اما موجب همدردی خارجی و حمایت داخلی در جهت تقویت دولت و نیز احتمالاً تسریع تلاش‌های ایران در زمینه هسته‌ای خواهد شد. بنابراین، مهار نفوذ منطقه‌ای ایران را در دوره پس از حمله نظامی، مشکل‌تر خواهد کرد، اما سیاست بازدارندگی با تهدید به اقدامات تلافی‌جویانه برای منصرف کردن ایران از هسته‌ای شدن، اگر ایران از آستانه هسته‌ای عبور کند، یک همراه و همدم برای سیاست مهار خواهد بود. اگر بازدارندگی با سطح بالاتر و بیشتری از تعامل همراه نباشد، ریسک وخامت غیرقابل مهار را بسیار بالا خواهد بود. عادی‌سازی روابط نیز می‌تواند به رسمیت شناختن متقابل دیپلماتیک، تبادل سفیران و باز کردن سفارتخانه‌ها را شامل شود. با توجه به اینکه ایران در حال حاضر دیپلمات‌های مستقر در نیویورک و واشنگتن دارد، این آمریکا خواهد بود که در صورت ازسرگیری روابط دیپلماتیک نفع بیشتری خواهد برد. به همین دلیل، هیچ چشم‌اندازی برای چنین تحولی در آینده‌ای نزدیک وجود ندارد. ازسوی دیگر، بیشتر روش‌های سیاست تغییر رژیم در ایران نیز می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد و برعکس به تقویت و تداوم دولت ایران منجر شود، بنابراین، هیچ‌یک از این رویکردها به تنهایی چشم‌اندازی برای پیشبرد هر سه هدف اصلی آمریکا را نشان نمی‌دهد. درگیرسازی صرف با وجود رژیم کنونی ایران به جایی نخواهد رسید. مهارسازی تنها رفتار خارجی ایران را محدود می‌سازد. حمله پیشگیرانه تنها در مورد مسئله هسته‌ای و آن هم به صورت موقتی موضوعیت دارد، و در عین حال پیشرفت به سوی دو هدف دیگر

را مشکل می‌سازد. بازدارندگی مکملی مناسب برای مهارسازی است، اما این حربه نیز فقط رفتار خارجی ایران را مهار خواهد کرد. نه عادی‌سازی روابط و نه تغییر رژیم نیز به‌عنوان اهداف کوتاه‌مدت قابل دستیابی نیستند. براساس این، نویسندگان مقاله به‌گزینه کنار آمدن با ایران هسته‌ای اشاره کرده‌اند زیرا که اگرچه آمریکا و سایر کشورها مایلند برنامه هسته‌ای ایران را در پایین‌ترین سطح خود ببینند، اما حمایت قوی از طرف تمامی جناح‌های سیاسی و مردم در داخل کشور از چرخه سوخت وجود دارد. لذا با توجه به اینکه سیاست فعلی آمریکا این است که تحریم‌ها علیه ایران تنها در صورتی لغو می‌شود که ایران غنی‌سازی را کنار بگذارد و هیچ طیفی در ایران از این سیاست آمریکا حمایت نمی‌کند، بنابراین امیدی برای تحقق این سیاست وجود ندارد. بنابراین آمریکا باید به‌دنبال اهداف تضمین شده‌تری باشد تا اهرم لازم برای واداشتن ایران به عمل به تعهداتش در چارچوب ان‌پی‌تی را حفظ کند، اما تلاش برای قانع کردن ایران شروع نمی‌شود مگر آنکه آمریکا بپذیرد که برنامه هسته‌ای ایران قابل بازگشت نیست. رویکرد «همه چیز یا هیچ چیز» که بر توقف غنی‌سازی در ازای توقف تحریم مبتنی است، این خطر را به‌دنبال دارد که آمریکا مجبور به انتخاب بین بد و بدتر شود، زیرا نه دولت فعلی ایران و نه هیچ دولتی در آینده با محدودیت‌هایی فراتر از چارچوب ان‌پی‌تی موافقت نخواهد کرد. بنابراین تحریم‌ها باید برای اهداف کوتاه و درازمدت ادامه یابد. ازسوی دیگر، آمریکا باید به سیاست چماق و هویج در قبال ایران ادامه دهد زیرا که در شرایط فعلی دیپلماسی نمی‌تواند راه‌حلی را در رابطه با ایران ارائه کند با این‌حال آمریکا مطابق با پیشنهاد دریاسالار مولن باید کانال‌های ارتباطی قابل اتکایی به سوی ایران بگشاید تا اطلاعات



جمع‌آوری نموده، هشدارها را به طرف مقابل منتقل ساخته، از مناقشات ناخواسته پرهیز کرده و در موضعی باشد که راه را برای برقراری مصالحه در صورت مطرح شدن آن از جانب طرفین، باز نماید. همچنین باید به سفیران آمریکا در پایتخت‌ها و در سازمان ملل اجازه داده شود تا با همتایان ایرانی خود در چارچوب وظایف و دستورالعمل‌های جاری خود به گفتگو بپردازند. این تماس‌ها می‌تواند در سکوت و بدون جنجال انجام شود. اگر ایران از این تماس‌ها استقبال کرد، می‌توان راهکارهای مناسب‌تر و جامع‌تری را برای گفتگو برقرار کرد. آمریکا باید درباره یک موافقتنامه حوادث دریایی با تهران مذاکره کند و سایر مجاری اضطراری برای ارتباط را برقرار کند.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۲۰۱

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۴۸)

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)
تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی
ناظر علمی: ناصر جمالزاده
متقاضی: معاونت پژوهشی
ویراستار ادبی: فرزاد جعفری

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۱۱/۵